

# اقتصاد افغانستان و ۱۵ سال جنگ

ترجمه: اسدالله شفايي

اشاره:

مجموعه آشنایی با کشورها «Country Profile» هر ساله توسط مؤسسه «The Economist Intelligence Unit» واقع در لندن انگلستان در مورد کلیه کشورهای جهان - هر کدام به صورت جزوه‌ای جداگانه - انتشار یافته و آخرین تحولات و اوضاع سیاسی، اقتصادی و اجتماعی این کشورها را با اشاره به پیشینه سیاسی-تاریخی و تأکید بر وضعیت فعلی آنها و با استفاده از آخرین احصائیه‌ها و اطلاعات مورد تجزیه و تحلیل علمی و محققانه قرار می‌دهد.

متن حاضر ترجمه بخشی از جزوه «افغانستان» منتشره در ۱۹۹۵ بوده و ارزیابی فشرده‌ای از اوضاع اقتصادی افغانستان در سالهای اخیر و تأثیر جنگ ۱۵ ساله بر آن را به دست می‌دهد، اگر چه تهیه کنندگان این جزوه علاوه بر احصایه رسمی دولتی، اطلاعات و آمار سازمانهای جهانی را مورد استفاده قرار داده‌اند، با عنایت به مشکل دسترسی به اطلاعات صحیح در مورد افغانستان، مواردی از تحلیلهای ارقام - همانطور که نویسندگان آن خود اعتراف دارند - به دور از لغزش و اشتباه نبوده و باید با احتیاط مورد بررسی و مطالعه قرار گیرند.

مقدمه:

افغانستان یکی از فقیرترین و توسعه نیافته ترین کشورها است، و نیز به خاطر نواحی بزرگی که دسترسی به آنها مشکل است، ما با فقدان اطلاعات آماری دقیق و قابل اطمینان در مورد این کشور مواجه هستیم، حتی قبل از اشغال شوروی اطلاعات، عمدتاً ناقص، مورد اختلاف و گاه متناقض بود و منابع رسمی آماری در سالهای بعد از تهاجم، قابل اعتماد نبودند، بسیاری مواقع گزارشهای روزنامه‌های محلی و سخن‌پراکنیهای رادیو احصاییه‌هایی در ارتباط با مثلاً رشد اقتصادی، بازرگانی خارجی و تولید مواد غذایی ارائه می‌دادند، اما هیچکدام ارزش و اعتباری نداشتند. هدف رژیم این بود که وضعیت عادی و یا لاقلاً نزدیک به عادی را به تصویر بکشد (البته بعضی اوقات پذیرفته می‌شود که جنگ باعث تخریب بخشهایی از اقتصاد شده است).



احصائیه‌های منتشر شده نرخ قابل توجه رشد اقتصادی، میزان بازدهی محصول که کمتر از دوران قبل از اشغال نبود، انکشاف و توسعه کارخانجات و مانند آن را یادآور می‌شدند. اغلب این ادعاها کاملاً غیر واقعی بود، سرزمینهای وسیعی به خاطر سیاست روسها در تضعیف مجاهدین بی مصرف می‌ماند و خود مجاهدین نیز تأسیسات و شالوده‌های اقتصادی را تخریب می‌کردند.

پس از قدرت‌گیری مجاهدین وضعیت بسیار بدتر شد. بسیاری از فعالیتهای اقتصادی در کابل به حالت توقف درآمد ولی صلح نسبی پدید آمده در دیگر جاها زمینه شروع هرچند آزمایشی فرایند بازسازی را که بناچار آهسته بود، فراهم کرد. «برنامه توسعه سازمان ملل متحد (UNDP)»<sup>۱</sup> در مورد طرح بازسازی ۱۳۷۲/۱۹۹۳، تولید ناخالص داخلی (GDP)<sup>۲</sup> در سال ۱۳۷۰/۱۹۹۱-۹۲ را ۱۲۴/۷ میلیارد افغانی در مقایسه با ۱۱۷ میلیارد افغانی سال تهاجم شوروی (۱۳۵۸/۱۹۷۹) برآورد کند زراعت (کشاورزی) در این سال ۴۵/۵٪ درآمد را (در مقایسه با ۵۲/۸٪ سال ۱۳۵۸/۱۹۷۹) تشکیل داده است. معدن، بازرگانی، ساختمان‌سازی، حمل و نقل و ارتباطات به ترتیب

۱ United Nation Development Programme.

۲ تولید ناخالص داخلی (Gross Domestic Product) عبارتست از مجموع کالاها و خدمات تولید شده در یک اقتصاد در طول دوره معین بجز کالاهای واسطه‌ای و بدون درآمد حاصل از سرمایه‌گذاری خارجی و داراییهای خارج از کشور (فرهنگ اقتصاد و بازرگانی، دکتر مرتضی قره‌باغیان).

سهم ۱۳/۶٪، ۸/۴٪، ۴/۵٪ و ۲/۷٪ را به خود اختصاص می‌دهند و خدمات ۱۶/۹٪ محاسبه شده است. بدین ترتیب خرابی در بخش زراعت، ضربه مؤثری به صنعت، که اساسی است اما ضعیف، وارد می‌گردد. بخشهای فرعی اقتصادی که در سالهای جهاد توجه بیشتری به آنها شد، توسعه آنهايي بود که با منافع شوروی در ارتباط بود؛ مانند استخراج گاز طبیعی، معدن و خدمات دولتی (که شامل امور دفاعی نیز می‌شد).

اقتصاد در این حوزه و بخشهای دیگر وابستگی شدید به اتحاد جماهیر شوروی پیدا کرد. این کشور قسمت عمده صادرات افغانستان (عمدتاً گاز طبیعی) را دریافت و اغلب واردات آنرا تأمین می‌کرد. اداره‌ای از کمیته پلان (برنامه‌ریزی) دولتی در ۱۳۶۴/۱۹۸۵ گزارش داد، بیش از ۲۰۰ پروژه صنعتی به کمک شوروی ساخته شده یا در حال تکمیل است. طبق این گزارش «حجم تولید شرکتهای ساخته شده با همکاری اقتصادی فنی اتحاد جماهیر شوروی ۶۰٪ کل تولید شرکتهای داخلی و ۷۵٪ تولیدات صنعتی بخش دولتی را تشکیل می‌دهند».

نشریه «کابل نیوتایمز» در گزارش از کمکهای خارجی مورد انتظار در طول دوره پلان (برنامه) ۹۱-۱۹۸۶/۷۰-۱۳۶۵ بالغ بر ۲۶,۷ میلیارد افغانی (۵۲۸ میلیون دلار) یعنی نزدیک به  $\frac{3}{4}$  تمام کمکهای خارجی می‌شود. محاسبه «سازمان همکاریهای اقتصادی و توسعه (OECD)» نشان می‌دهد که سهم کل بدیهیهای افغانستان به اتحاد جماهیر شوروی حدود ۹۰٪ تمام وامهای [خارجی] سال ۱۳۶۹/۱۹۹۰ را تشکیل می‌دهد.

\* \* \*

افغانستان سه پلان (برنامه) پنجساله را که اصولاً لیستی از پروژه‌ها بود به پایان رسانده است. حکومت سعی نکرد برای اقتصاد به عنوان یک کل پلانگذاری (برنامه‌ریزی) نماید و برنامه سوم حتی انتشار نیافت. برنامه پنجساله چهارم در ۱۳۵۲/۱۹۷۳ به تصویب رسید، اما بعداً به نام پلانهای انکشاف (برنامه‌های توسعه) یکساله کنار گذاشته شد.

هزینه پلان انکشاف از ۵/۳ میلیارد افغانی در سال ۷۵-۱۳۵۳/۱۹۷۴ به ۱۴ میلیارد افغانی در سال ۷۷-۱۳۵۵/۱۹۷۶ رسید، دو سال بعد از این هزینه سهم زراعت (کشاورزی) ۲۵٪، منابع، معدن، صنعت ۴۰٪ حمل و نقل و ارتباطات ۲۱٪ و خدمات اجتماعی ۱۳٪ بود.

در برنامه توسعه ۱۹۸۲-۱۳۶۱/۱۹۷۶-۱۳۵۵ که به کمک اتحاد جماهیر شوروی تهیه

شده بود، هزینه‌ها شش برابر برنامه هفت ساله قبل شده و وابستگی خیلی بیشتری به کمک‌های خارجی پیدا کرده بود، به طوری که سهم این کمک‌ها از ۴۵٪ دوره ۱۹۷۵-۱۹۶۹/۱۳۵۴-۱۳۴۸ به ۶۶٪ در این دوره رسیده بود. در اینجا وابستگی کمتر به بخش زراعت مد نظر بود. رژیم جدید [حکومت داود] قصد داشت برنامه هفت ساله را جایگزین طرح پنجساله کرده و آنرا تا ۱۳۵۷/۱۹۷۸ امتداد دهد.

جزئیات مقدماتی که در این مورد در اوست ۱۹۷۹/سنبله ۱۳۵۸ منتشر شد هزینه ۱۰۵ میلیارد افغانی را نشان می‌داد که بیش از ۵۰٪ آن به توسعه صنعتی اختصاص داده شده بود، ۲۵٪ به زراعت و ۱۵٪ به بخش‌های صحرایی (بهداشت)، تعلیم و تربیه و دیگر خدمات اجتماعی. نشانه‌های بعدی وجود ندارد که مانع جریان برنامه یاد شده باشد، اما از آنجا که رابطه آن با واقعیت‌های موجود قطع شد، مسلماً نباید به اجرا گذاشته شده باشد.

برنامه‌های توسعه سالیانه ۱۹۷۷ و ۱۳۵۶/۱۹۷۸ و ۱۳۵۷ هزینه بیشتر از آنچه را که در خود برنامه هفت ساله پیشنهاد شده بود، تدارک دید و سهم اختصاص داده شده به بخش‌ها در هر دو سال عمدتاً در نتیجه تأکید فراوان بر صنعتی شدن با هزینه پروژه‌های حمل و نقل (ترانسپورت) با حصه‌ای که در تمام برنامه مورد نظر بود، تجانس اندکی داشت. از ۲۰،۵۱۰ میلیون افغانی که برای برنامه سالیانه ۱۳۵۷/۱۹۷۸-۹ اختصاص یافته بود ۲۷٪ به زراعت و آبیاری، ۴۲٪ به صنعت و معدن و انرژی، ۱۲٪ به حمل و نقل و ارتباطات و ۱۵٪ به خدمات اجتماعی تعلق داشت. هزینه واقعی سرمایه‌ای حکومت در سالهایی که مشمول برنامه پنجساله تجدید نظر شده ۱۹۷۹ تا ۱۳۵۸/۱۹۸۳ تا ۱۳۶۲ می‌گردید جمعاً بیش از ۲۶/۶ میلیارد افغانی نبود، یعنی تنها بخشی از مقداری که در ابتدا پیشنهاد شده بود.

برنامه پنجساله جدیدی که دوره ۱۹۸۶ تا ۱۳۶۹/۱۹۹۰ تا ۱۳۶۵ را در بر می‌گرفت اعلام شد، اما انتشار نیافت و جزئیات پیش‌بینی‌ها و تدارکات آن پراکنده، ناقص و حتی متناقض بود. در مورد اهداف آن و میزان رشد مورد نظر در هر بخش، در مطبوعات و گزارش‌های رادیو اشاراتی شد ولی جزئیات روشی که از طریق آن حکومت باید به اهداف برنامه دست می‌یافت، مطرح نگردید.

اطلاعات در دسترس اشاره به این دارند که کل هزینه‌های مورد نظر در دوره پنجساله بالغ بر ۱۱۴/۵ میلیارد افغانی می‌شد. از این میزان ۸۹/۵ میلیارد افغانی به پروژه‌های دولتی اختصاص یافته و منابع داخلی می‌بایست سهم ۵۰ میلیارد افغانی این هزینه‌ها را تأمین نماید. سرمایه‌های عمومی (دولتی) ۱۱۳ میلیارد افغانی از کل هزینه‌ها را تأمین می‌کرد

و سهم بخش خصوصی فقط ۱/۵ میلیارد افغانی بوده سهم بخشهای عمومی بدین ترتیب بود: گاز طبیعی (۱۳ میلیارد افغانی)، برق (۹م.ا.)، تعلیم و تربیه (۷/۱م.ا.) صنایع خفیفه «سبک» (۵م.ا.)، زراعت (۱۱م.ا.).

در طول دوره پنج ساله رشد تولید ناخالص ملی (G.N.P)<sup>۱</sup> به میزان ۲۵٪ مورد نظر بود (در مقایسه با رشد مورد ادعای ۱۶٪ دوره ۸۵-۱۹۸۱/۶۴-۱۳۶۰)، زراعت قرار بود رشد ۱۵٪ (در مقایسه با ۶٪ دوره قبل) و صنعت بازدهی ۲۸٪ (در مقابل ۲۶٪ دوره پیشین) داشته باشد.

### محاسبات ملی

تخمین تولید ناخالص ملی (G.N.P) در گذشته به خاطر تردیدآمیز بودن اطلاعات در دسترس، بسیار غیر قابل اعتماد بوده است. حتی تخمینهای سال ۷۶-۱۹۷۵/۱۳۵۴ که پلان (برنامه) توسعه هفت ساله ۱۹۷۶ تا ۱۳۵۵/۱۹۸۲ را در بر می گرفت، اگر چه در برگیرنده راهنماییهای خوبی در اهمیت نسبی بخشهای ترکیب کننده اقتصاد است، باید با احتیاط مورد بررسی قرار گیرد.

میانگین رشد سالیانه بین ۱۹۷۶ تا ۱۳۴۵/۱۹۸۲ تا ۱۳۵۱ بر اساس نرخ متداول، ۵٪ برآورد شده، در حالی که رشد واقعی، به خاطر رکود درآمد واقعی سرانه احتمالاً ۲٪ در سال نباید بیشتر باشد. در سال ۴-۱۳۵۲/۱۹۷۳ رشد واقعی احتمالاً به دست آمده است؛ وقتی رژیم جمهوری قدرت را به دست گرفت، اهداف رشد سالیانه ۵-۱۳۵۳/۱۹۷۴ و ۶-۱۳۵۴/۱۹۷۵ با توجه به شرایط موجود ۴٪ تعیین شد. این اهداف در سال اول برآورده نشد، اما با انجام اصلاحات در بخش کشاورزی، در دو سال بعد نتایج فراتر از آن به دست آمد. پلان (برنامه) هفت ساله ۷-۱۹۷۶ تا ۳-۱۳۵۵/۱۹۸۲ تا ۱۳۶۱ رشد تولید ناخالص ملی (G.N.P) سالیانه در طول دوره را ۶/۳٪ تعیین کرد و پلان پنجساله جانشین آن ۹-۱۹۷۸ تا ۳-۱۳۵۷/۱۹۸۲ تا ۱۳۶۱ نرخ رشد را در طول دوره ۵-۴/۵٪ پیش بینی نمود. به نظر می رسد که رشد میزان فعالیت اقتصادی بعد از شروع اشتغال شوروی در اواخر ۱۹۷۹/جدی ۱۳۵۸ کاهش زیادی پیدا کرد. اقتصاد که حتی قبل از آن بسیار ضعیف بود، به خاطر جنگ رو به نابودی می رفت. بدینسان تعجب آور نیست که بیشتر ارقام قابل اعتماد، سقوط شدید درآمد ملی پس از تهاجم را نشان می دهد.

۱. تولید ناخالص ملی (Gross Domestic Product) عبارتست از مجموع تولید ناخالص داخلی و کلیه درآمدهای ناشی از سرمایه گذارهای اتباع کشور در خارج منهای کلیه عواید ناشی از سرمایه گذارهای اتباع کشورهای دیگر در کشور مورد نظر (فرهنگ اقتصاد و بازرگانی، مرتضی قریب‌باغیان).



## تولید ناخالص داخلی

۱۹۸۹-۹۰	۱۹۸۸-۹	۱۹۸۷-۸	۱۹۸۶-۷	۱۹۸۵-۶	۱۹۸۴-۵	
۱۳۶۸	۱۳۶۷	۱۳۶۶	۱۳۶۵	۱۳۶۴	۱۳۶۳	
						جمع کل (میلیارد افغانی)
						بر اساس قیمت ثابت سال ۱۳۵۷/۱۹۷۸-۹
۱۲۴/۷	۱۲۷/۵	۱۳۹/۰	۱۵۴/۹	۱۵۰/۴	۱۵۰/۰	
-۲/۲	-۸/۳	-۱۰/۳	۳/۰	۰/۳	۱/۸	درصد تغییر
						سرانه (افغانی) بر اساس
۷۸۸۷	۸۱۲۱	۹۱۳۳	۱۰۳۷۵	۱۰۲۷۳	۱۰۴۴۶	همان قیمت ثابت
-۴/۱	-۱۰/۰	۱۲/۰	۱/۰	-۱/۷	-۰/۱	درصد تغییر

Source (منبع): Asian Development Bank (ADB), key indicators of Developing Asian and Pacific countries.

با این وجود در مارچ ۱۹۸۵/حوت ۱۳۶۳ رادیو کابل اعلام کرد که در این سال تولید ناخالص ملی (G.N.P) ۷٪ افزایش یافته است، و ببرک کارمل گزارش داد که از سال ۱۳۵۷/۱۹۷۸ تولید ناخالص داخلی (G.D.P) رشدی به میزان ۴/۷٪ در سال داشته است. متعاقباً در ارتباط با برنامه ۹۱ و ۱۹۹۰-۶۹/۱۳۶۴ اظهار شد که تولید ناخالص داخلی (G.D.P) بین سالهای ۱۹۸۱ تا ۱۳۶۰/۱۳۶۴ رشد ۱۴٪ داشته که در این میان زراعت (کشاورزی) ۶٪ و بخش صنعت ۲۶٪ رشد کرده است. این ارقام با اطلاعات مربوط به اجزای جدول ذیل که توسط بانک انکشاف (توسعه) آسیایی از طریق منابع رسمی افغانستان تهیه شده، انطباق ندارد. وزارت پلان (برنامه) ادعا کرد که G.D.P در ۹۱ و ۱۳۶۹/۱۹۹۰، ۱۵ میلیارد افغانی بود. (بر اساس نرخ ثابت ۹-۱۳۵۷/۱۹۷۸) و بیش از ۸٪ در سال سقوط کرده است.

همان گزارش افزایش ۷۰۰ میلیون افغانی در تولید ناخالص بخش صنعتی، ۴۰۰ میلیون افغانی در بخش بازرگانی و ۱۰۰ میلیون افغانی در حمل و نقل و ارتباطات و ۴۰۰ میلیون افغانی در ساختمان سازی در سال ۹۱-۱۳۶۹/۱۹۹۰ را اعلام می کنند. در حالی که بازدهی بخش زراعت ۸ میلیارد افغانی سقوط داشته است.

### اشتغال

طی سه دهه گذشته تخمینهای مختلفی از جمعیت در حال اشتغال به عمل آمده، اما هیچکدام قابل اتکا نیست یک سرشماری ناقص در ۱۳۴۴/۱۹۶۵، آنرا ۳/۹ میلیون نفر برآورد کرد و پلان انکشاف (برنامه توسعه) ۸۲-۶۱/۱۹۷۶-۱۳۵۵ کل نیروی کار در سال

## منابع تولید ناخالص داخلی (بر اساس نرخ ثابت سال ۱۹۷۸/۱۳۵۷)

	۱۳۶۸/۱۹۸۹-۹۰		۱۳۶۳/۱۹۸۴-۸۵	
	میلیارد افغانی		درصد از کل	
زراعت	۵۲/۶	۶۵/۶	۵۸/۷	۸۸/۱
معادن، صنعت و عواید	۲۸/۵	۳۵/۶	۲۲/۱	۳۳/۲
ساختمان سازی	۵/۸	۷/۲	۵/۳	۸
بازرگانی	۷/۹	۹/۹	۸/۳	۱۲/۴
حمل و نقل و ارتباطات	۳/۵	۴/۴	۳/۹	۵/۹
خدمات دیگر	۱/۶	۲/۰	۱/۶	۲/۴
GDP	۱۰۰/۰	۱۲۴/۷	۱۰۰/۰	۱۵۰/۰

Source (منبع): A.D.B., key Indicators of Developing Asian and Pacific Countries.

## رشد در بخشهای تولید ناخالص داخلی

(درصد تغییرات واقعی سالانه؛ بر اساس قیمت ثابت ۱۹۷۸/۱۳۵۷)

	۱۹۸۹-۹۰	۱۹۸۸-۹	۱۹۸۷-۸	۱۹۸۶-۷	۱۹۸۵-۶	۱۹۸۴-۵
	۱۳۶۸	۱۳۶۷	۱۳۶۶	۱۳۶۵	۱۳۶۴	۱۳۶۳
زراعت	-۲/۳	-۶/۷	-۱۹/۰	۱/۶	-۰/۶	-۰/۵
معادن، صنعت و عواید	۸/۵	-۱۲/۱	-۱/۶	۴/۷	۹/۰	۲/۲
ساختمان سازی	-۲۹/۴	-۳/۸	۱۶/۵	۱۳/۸	۰/۰	۸/۱
بازرگانی	-۶/۶	-۱۱/۷	-۴/۷	۴/۱	-۲/۴	۱۰/۷
حمل و نقل و ارتباطات	-۴/۳	-۶/۱	۲۲/۵	-۷/۰	-۲۷/۱	۷/۳
دیگر خدمات	۰/۰	-۳/۸	-۸/۷	۴/۵	-۸/۳	۹/۱
GDP	-۲/۲	-۸/۳	-۱۰/۳	۳/۰	۰/۳	۱/۸

منبع پیشین: (Source) (۲)

۱۳۵۵/۱۹۷۶ را ۵/۶ میلیون نفر تخمین زد که از این میان ۷۲٪ به زراعت (کشاورزی) اشتغال داشتند. در مقابل بانک جهانی تخمین ۱۳۵۸/۱۹۷۹ خود را بر اساس جمعیت ۱۳/۰۵ میلیون نفر منتشر کرد که در آن نیروی کار ۳/۹۴ میلیون نفر، نسبت مشارکت ۳۰/۲٪ جمعیت زنان ۴/۹٪ و زیر ۱۵ سال ۷/۴٪ برآورد شده بود. از سال ۱۳۵۸/۱۹۷۹

۱. میزان جمعیت کار یک کشور که مشغول به کار یا بیکار است و در صدد یافتن کاری باشد نسبت به کل جمعیت آن کشور. (فرهنگ اقتصاد و بازرگانی، مرتضی قره باغیان).



### برآورد اشتغال

۱۳۶۸/۱۹۸۹-۹۰		۱۳۶۳/۱۹۸۴-۸۵		
درصد از کل	%	درصد از کل	%	
۶۷/۲	۴۰.۳۷	۶۷/۱	۳۶.۵۰	زراعت
۱۲/۹	۸.۹۲	۱۵/۲	۸.۲۶	معدن، صنعت و ...
۱۲/۶	۸.۷۷	۱۴/۴	۷.۸۴	غیر مولد <sup>۱</sup>
۲/۴	۲.۰۲	۳/۶	۱.۹۴	بیکار
۱۰۰/۰	۶۰.۰۹	۱۰۰/۰	۵۴.۳۷	جمع نیروی کار

Source (منبع): ADB, key indicators of Developing Asian and Pacific Countries.

مشخص نیست که افغانستان اطلاعاتی به دفتر کار<sup>۲</sup> بین‌المللی (ILO) گزارش کرده باشد. آمارهای رسمی تنزل شدیدی در نیروی کار در سالهای اول اشتغال شوروی از ۴/۹۵ میلیون نفر در سال ۸۰-۱۳۵۹/۱۹۷۹ به ۳/۷۵ میلیون نفر در سال ۸۱-۱۳۵۹/۱۹۸۰ را نشان می‌دهد؛ که بعد از آن ظاهراً جبران این نقصان از اواسط دهه ۱۹۸۰ شروع شده و میزان اشتغال در سال ۹۰-۱۳۶۸/۱۹۸۹ به ۶ میلیون نفر می‌رسد. این رشد نیروی کار با توجه به کاهش جمعیت افغانستان به خاطر ادامه مهاجرت، قابل توجیه نیست، ولی بازگشت انبوه آوارگان از ۱۳۷۱/۱۹۹۲ بدون شک این ارقام را تغییر خواهد داد.

۱. تحصیلات (آموزش)، امور صحتی، ادارات دولتی و خدمات عمومی جزو بخش غیر مولد هستند.

۲. International Labour office.



ارزیابی ساختار نیروی کار، ۱۳۵۸/۱۹۷۹

درصد از کل × ۱۰۰۰		
۶۰/۱	۲۳۶۹	زراعت، شکار، جنگلداری، ماهیگیری
۱/۵	۵۹	معادن و استخراج
۱۰/۷	۴۲۳	صنعت
۰/۳	۱۱	برق، گاز، آب
۱/۳	۵۱	ساختمان سازی
۳/۵	۱۳۸	بازرگان خرده و عمده، رستورانها، هتلها
۱/۶	۶۶	حمل و نقل (ترانسپورت) انبارداری، ارتباطات
۱۹/۰	۷۴۹	خدمات مالی، بیمه، اموال غیر منقول، خدمات تجاری، شخصی، اجتماعی و عشاء
۲/۰	۷۸	بیکار، در جستجوی اولین شغل
۱۰۰/۰	۳/۹۴۴	جمع کل

Source (منبع): ILO, Yearbook of labour statistics, 1980.

قیمتها

در مورد قیمتها اختلاف قابل توجهی میان اعلان حکومتهای کمونیستی و نظر اقتصاد دانان در تبعید (مهاجرت) افغانستان - همچنانکه در مورد اغلب شاخصهای اقتصادی - وجود داشت. در حالیکه حکومت سابق ادعا کرده بود با افزایش اعمال کنترل، سوبسید و تدارکات کافی توسط فروشگاههای دولتی و تعاونی از افزایش قیمت مصرف کننده جلوگیری شده، منابع غیر رسمی تأکید داشته که تورم شدید بوده و افزایش قابل توجه حقوق و دستمزدها را سبب شده و اینکه حکومت به چاپ پول فراوان مبادرت کرده است. بر اساس منبع «آمارهای مالی بین المللی»<sup>۱</sup> متوسط نرخ افزایش قیمت سالانه مصرف کننده بین ۱۹۸۴ تا ۱۳۶۳/۱۹۹۱ تا ۱۳۷۰ بیش از ۲۱٪ بوده، اما در طول این دوره اختلاف زیادی در میزان افزایش وجود داشته و در ۱۳۶۵/۱۹۸۶ قیمتها سقوط کرده است. قیمتها در کابل بین ۱۹۷۸ تا ۱۳۵۷/۱۹۹۱ تا ۱۳۷۰ بر اساس آمار «برنامه توسعه ملل متحد» (UNDP)، تقریباً ده برابر شده است. این سازمان شاخص قیمت عمومی در ۱۳۶۹/۱۹۹۰، ۱/۰۷۸/۹ (مواد غذایی ۱/۱۷۹/۷ و کالاهای دیگر ۹۸۷) بر اساس سال مبنای ۹-۱۳۵۷/۱۹۷۸ محاسبه کرده است.<sup>۲</sup>

۱. IMF، منتشره توسط صندوق بین المللی پول International Financial Statistics.

۲. یعنی اگر در سال ۱۳۵۷/۱۹۷۸ قیمت یک کالا ۱۰۰ افغانی فرض شود، در سال ۱۳۶۹/۱۹۹۰ همان کالا ۱۰۷۸ افغانی بوده است.

## شاخصهای قیمت مصرف کننده

(۱۰۰ = ۱۳۶۴/۱۹۸۵)

۱۹۹۱	۱۹۹۰	۱۹۸۹	۱۹۸۸	۱۹۸۷	۱۹۸۶	
۱۳۷۰	۱۳۶۹	۱۳۶۸	۱۳۶۷	۱۳۶۶	۱۳۶۵	
۵۴۰/۰	۳۴۴/۷	۲۴۲/۹	۱۳۸/۷	۱۱۵/۹	۹۶/۸	شاخص قیمت مصرف کننده
۵۶/۷	۴۱/۹	۷۵/۱	۱۹/۷	۱۹/۷	-۳/۲	درصد تغییر

Source (منبع): IMF, International Financial Statistics.

## زراعت (کشاورزی)

زراعت با در نظر داشت اینکه بیش از ۵۰٪ تولید ناخالص داخلی (G.D.P) و عمده صادرات [افغانستان] را تشکیل می‌دهد، اساس اقتصاد است. جمع کل زمینهای قابل کشت حدود ۱۵ میلیون هکتار است که از این مقدار حدود ۳۰٪ آن در زمان قبل از اشغال کشت می‌شد. در سالهای جنگ و با جابجایی بخش بزرگی از جمعیت دهات (روستایی) فعالیت کشاورزی به میزان زیادی کاهش پیدا کرد. تحقیقات برنامه توسعه سازمان ملل متحد، مناطق زیر کشت را در سال ۹۱-۱۹۹۰/۱۳۶۰، ۳/۲ میلیون هکتار و زمینهای آبیاری شده را ۱/۵ میلیون هکتار برآورد می‌کند. گندم که ۱/۴ مساحت زیر کشت را در بر می‌گیرد، محصول اصلی است. نیشکر و (لبلبو) چغندر محصولات بعدی هستند، اما بوره (شکر) به دست آمده از آنها تکافوی نیازهای داخلی را نکرده و کمبود آن با واردات، عمدتاً از شوروی سابق، تأمین می‌شد. میوه و خشکبار، سبزیجات، پشم، پنبه، چرم و پوست، مخصوصاً پوست قره‌قل، اقلام عمده صادراتی هستند. در اواخر دهه ۱۹۷۰/دهه ۱۳۵۰ چهارپایان اهلی شامل ۶/۵ میلیون رأس گوسفند قره گل، ۱۵ میلیون رأس گوسفند معمولی، ۳/۷ میلیون رأس گاو، ۳/۲ میلیون رأس بز و ۱۰۰۰۰ رأس اسب می‌شد که بعدها این ارقام [در اثر جنگ] به میزان ۱/۳ کاهش یافت. حکومت در سالهای ۸۱-۱۳۶۹/۱۹۸۰ ادعا کرد که حدود ۱۹/۲ میلیون رأس گوسفند و ۳/۸ میلیون رأس گاو موجود است، اما تخمینهای نانو (سازمان خواروبار و کشاورزی «FAO») در پایان دهه ۱۹۸۰ ارقام پایینی را نشان می‌دهد. آب و هوای مناسب، مکانیزه شدن بیشتر و توزیع بهتر کود دست به دست هم داده، بازدهی محصول را به میزان ۴/۵۸ میلیون تن در سال ۷۷-۱۳۵۵/۱۹۷۶ بالا برد. این نکته با ادعای چند سال بعد رژیم کابل در مورد دستیابی به موفقیت‌های بزرگ در امور زرعی تفاوت فاحش داشت. اهداف تولید محصول برای سال ۸۲-۱۳۶۰/۱۹۸۱ به مدد به کارگیری کود فراوان، بذر اصلاح شده و مصرف مواد آفت‌زاکه توسط اتحاد جمع‌هیر

شوروی تدارک دیده شده بود، شامل ۱۰۰۰۰۰ تن پنبه، ۳۴۰۰۰ تن چغندر، ۸۵۰۰۰ تن سبزیجات، ۹۱۰۰۰۰ تن میوه و ۴/۵ میلیون تن حبوبات می‌شد. ارزیابی‌ای که وصول به این اهداف را نشان دهد در دست نیست و با برآوردهای فائو که در جدول ذیل آمده باید با احتیاط زیاد برخورد کرد؛ اگرچه این احصائیه‌ها توسط دولت افغانستان برای کنفرانس سازمان ملل متحد در مورد کشورهای توسعه نیافته<sup>۱</sup> تهیه شده و نشان می‌دهند که در سالهای مورد نظر، بازدهی بسیار پایتتر از اهداف پیش‌بینی شده بوده است.

در سالهای جنگ هم‌کاشت و هم‌برداشت شدیداً صدمه دیده و سیاست «زمین سوخته»<sup>۲</sup> که توسط نیروهای شوروی در بعضی مناطق دهات اعمال می‌شد، مشکلات را افزون کرد. به علاوه اینها با مهاجرت مردم به کشورهای همسایه پاکستان و ایران و یا شهرها و مناطق نسبتاً امن تر داخل کشور، جریان گریز از زمین شدت یافت. غلیرغم کاهش جمعیت (به خاطر مهاجرت و جنگ) و جبران بعضی از کمبودها با واردات حدود ۲۵۰۰۰۰ تن در سال از اتحاد جماهیر شوروی کمبود شدید مراد غذایی به وضوح قابل مشاهده بود.

### تولید محصولات مهم<sup>۳</sup>

۱۹۸۶-۷	۱۹۸۵-۶	۱۹۸۴-۵	۱۹۸۳-۴	۱۹۸۲-۳	۱۹۷۸-۹	(۱۰۰۰ × تن)
۱۳۶۵	۱۳۶۴	۱۳۶۳	۱۳۶۲	۱۳۶۱	۱۳۵۷	
۳,۱۱۰	۳,۲۴۲	۳,۴۱۸	۳,۵۹۱	۳,۷۲۴	۴,۳۸۲	کل حبوبات غذایی
۱,۹۹۷	۲,۰۸۱	۲,۱۹۲	۲,۳۰۶	۲,۳۹۱	۲,۸۱۳	گندم
۲۳۰	۲۲۰	۲۵۲	۲۶۶	۲۷۶	۳۲۵	جو
۵۵۲	۵۷۷	۶۰۸	۶۳۹	۶۶۳	۷۸۰	جواری (ذرت)
۳۰۲	۳۱۷	۳۳۲	۳۵۰	۳۶۲	۴۲۸	برنج
۲۵	۲۷	۲۸	۳۰	۳۰	۳۶	دیگر حبوبات غذایی
						میوه و سبزیجات
۷۶۰	۷۴۰	۷۶۲	۷۹۰	۸۰۹	۸۲۴	میوه
۷۴۶	۷۳۶	۷۶۳	۷۹۰	۸۰۲	۷۶۶	سبزیجات
						محصولات صنعتی
۶۴	۵۵	۶۸	۵۰	۴۵	۱۳۲	پنبه
۵	۵	۲۶	۱۶	۲۰	۷۳	چغندر
۶۰	۵۸	۶۰	۶۲	۶۳	۶۴	نیشکر
۲۵	۲۵	۲۵	۲۵	۲۵	۳۵	دانه‌های روغنی

Source (منبع): UNCTAD<sup>۴</sup>, Country Presentation by the government of Afghanistan.

#### ۱. UN Conference on Least Developed Countries (UN.C.L.D.C.)

۲. روسها در زمان جنگ بسیاری از مزارع و جنگلها را با موشکباران و بمبارد به آتش می‌کشیدند تا برای مجاهدین غیر قابل استفاده شوند. (م)
۳. براساس آمارهای رسمی.

۴ UN Conference on Trade and Development. (UNCTAD)

گزارش حکومت به کنفرانس سازمان ملل در مورد کشورهای توسعه نیافته که در ۱۳۶۹/۱۹۹۰ منتشر شد، چنین برآورد کرده بود که بازدهی حبوبات غذایی بین ۱۹۷۶ تا ۱۳۵۵/۱۹۸۶ تا ۱۳۶۵ حدود ۳۰٪ سقوط کرده است. در حالیکه این گزارش، برآورد هر سال را ارائه نمی‌کند، ادعاهای اخیر در ارتباط با بازدهی کشاورزی را مورد تردید قرار می‌دهد. منابع رسمی تولید حبوبات غذایی را هم در سال ۸۵-۱۳۶۳/۱۹۸۴ و هم در سال بعد، ۴/۵ میلیون تن و در سال ۸۷-۱۳۶۵/۱۹۸۶، ۴/۶ میلیون تن، اعلام کرده بودند. یک گزارش رسمی دیگر سطح تولید گندم ۲/۷۵ میلیون تن، جواری (ذرت) ۱۱۰۰۰۰ تن، برنج ۴۸۰۰۰۰ تن، و جو را ۳۳۰۰۰۰ تن برآورد می‌کرد که این ارقام در گزارش UNCTAD پایین بود. از آن به بعد وضعیت بدتر شد. کسری گندم افغانستان در ۱۳۷۲/۱۹۹۳ به استثنای آنچه که برای تغذیه مهاجرین بازگشته به وطن مورد احتیاج بود، ۶۰۰۰۰۰ تن برآورد شده است.

### تولید کشاورزی<sup>۱</sup>

۱۹۹۲	۱۹۹۱	۱۹۹۰	۱۹۷۹-۱۹۸۱	
۱۳۷۱	۱۳۷۰	۱۳۶۹	۱۳۵۸-۱۳۶۰	(تن × ۱۰۰۰)
۱۶۵۰	۱۷۲۶	۱۶۵۰	۲۵۶۱	گندم
۳۰۰	۴۲۰	۴۸۰	۷۳۸	جواری (ذرت)
۳۰۰	۳۳۵	۳۳۳	۴۱۵	برنج
۱۵۰	۲۱۷	۲۱۶	۳۱۳	جو
۴۲	۳۶	۲۸	۷۷	پنبه دانه
۳۷	۲۵	۳۳	۴۱	حبوبات
۲۴	۲۴	۲۵	۲۶	کنجد (بذر)
۱۴	۱۴	۱۴	۱۹	دانه بزرگ
۱	۱	۱	۴۲	چغندر
۳۸	۳۸	۵۵	۶۸	نیشکر
۴۹۰	۴۸۸	۴۹۰	۵۱۶	سبزیجات
۶۱۴	۶۴۷	۶۴۶	۸۰۷	میوه

Source (منبع): FAO, Production Yearbook.

۱. تمامی ارقام از برآورد فائو (FAO) یا از منابع غیر رسمی به دست آمده است.  
 ۲. متوسط سالیانه.

## جمعیت چهارپایان<sup>۱</sup>

(۱۰۰۰ × رأس مگر اینکه شاخص دیگری داده شده باشد)

۱۹۹۲	۱۹۹۱	۱۹۹۰	۱۹۸۹	۱۹۸۸	۱۹۸۷	۱۹۷۹-۸۱	
۱۳۷۰	۱۳۷۰	۱۳۶۹	۱۳۶۸	۱۳۶۷	۱۳۶۶	۱۳۵۸-۶۰	
۱۶۵۰	۱۶۵۰	۱۶۵۰	۱۶۰۰	۱۵۵۰	۱۵۰۰	۳۷۲۳	گاو
۱۳۵۰۰	۱۳۵۰۰	۱۳۵۰۰	۱۲۵۰۰	۱۱۵۰۰	۱۹۰۰۰	۱۸۶۶۷	گوسفند
۲۱۵۰	۲۱۵۰	۲۱۵۰	۲۱۰۰	۲۰۵۰	۲۰۰۰	۲۸۷۸	بز
۷	۷	۷	۷	۷	۷	۶	مرغ و جوجه (میلیون)

منبع بیشین: (منبع) source

یک برنامه اصلاحات ارضی در سال ۱۳۵۵/۱۹۷۶ به وسیله حکومت داود آغاز شد و پس از ۱۳۵۸/۱۹۷۹ تشدید یافت. اما شیوه جابراکه از طریق آن ضبط و توزیع مجدد زمین اعمال می شد، باعث مقاومت وسیعی شده و در اواسط ۱۹۸۱/اوایل ۱۳۶۰ دولت مجبور شد رهبران مذهبی و قبیله‌ای و صاحب‌منصبان را از مسمولیت از این طرح معاف کند این تدبیر سیاسی همچنین اولویت توزیع مجدد زمینهایی که قبلاً ضبط شده بود را به دهقانان بی‌زمینی داد که در نیروی نظامی خدمت می‌کردند. فرایند اصلاحات ارضی با تأسیس مزارع دولتی و کشت تعاونی همراه بود، حرکتی که رژیم در ابتدای آن ادعا کرده که باعث افزایش بازدهی محصولات کشاورزی شده است. اما از سال ۱۳۶۶/۱۹۸۷ رژیم این برنامه را مورد بی‌توجهی قرار داد و مقامات رسمی بارها پذیرفتند که اجرای آن اشتباهاتی را در بر داشته است.

شرایطی که در سالهای اخیر در افغانستان حاکم شده ارزیابی درست و وضعیت مشکلات فراوان کشاورزی را نامقدور کرده است. تنها این مسأله روشن بوده که زراعت شدیداً صدمه دیده و اینکه تصویری را که احصایه‌های رسمی ترسیم کرده‌اند، گمراه کننده است. تحقیقاتی که برای کمیته سونندی در پیشاور انجام شده و در ۱۳۶۷/۱۹۸۸ به عنوان «تحقیقات کشاورزی افغانستان»<sup>۲</sup> انتشار یافت، در دسترس است. این تحقیق به سرپرستی اعظم گل خاک‌شناس سابق دانشگاه کابل و توسط ۶۸ مهاجر آموزش دیده افغانی، که درازا و پهنای کشور را زیر پا گذاشتند (به استثنای ۱/۵ مناطق تحت کنترل رژیم) و روی حدود ۲۰۰۰۰ زارع، حدود ۹٪ خانواده‌های زراعت پیشه افغانستان بررسی به عمل آوردند. یافته‌ها چنین نشان می‌داد که ۳۰٪ زمینهای کشاورزی سابق

۱. ارقام بعد از ۱۳۶۶/۱۹۸۷ از برآوردهای فائو به دست آمده است.

۲. متوسط سالیانه.



کشت نشده، و در زمینهایی که کشت شده محصول، عمدتاً به خاطر تخریب جو بهیجا و مجاری آب و فقدان کود و بذر جدید ۳۵٪ کاهش پیدا کرده است. در نتیجه بازدهی محصول تنها ۴۵٪ سطح تولید سال ۱۳۵۷/۱۹۷۸ بود و تولید مواد غذایی به کمی بیشتر از نصف میزان قبل از اشغال شوروی رسید. [به همین ترتیب] تعداد گاوها ۵۵٪، گوسفند و بز ۶۵٪ کاهش پیدا کرد و گاوهای نر که برای شخم زدن زمین مورد احتیاج بود به ۱/۳ رسید.

تحقیقات سازمان ملل در سال ۱۳۶۹/۱۹۹۰ که توسط «هماهنگی سازمان ملل برای برنامه‌های بشردوستانه و اقتصادی در ارتباط با افغانستان»<sup>۱</sup> چنین برآورد نمود که تولیدات کشاورزی به ۵۰ تا ۶۰٪ میزان قبل از جنگ کاهش پیدا کرده است. این گزارش، یافته‌های کمیته سوئدی را تأیید می‌کند که فقدان گاوهای یوغی خرابی جاده‌ها و تخریب و نقص جو بهیهای آبیاری مشکل آفرین است.

تحقیقات سوئدیها همچنین در تعیین میزان تلاشهای امدادگرا ته مورد نیاز به هنگام بازکشت آوارگان به کشور مهم است. برنامه‌های امداد و نوسازی باید چندجانبه بوده و در حالیکه همه بخشهای اقتصاد به کمک نیاز دارند، تمرکز اساسی می‌بایست بر کشاورزی داشته، و در آغاز در مورد تدارک غذایی اطمینان بخش باشد. کمکهای غذایی کوتاه مدت ضرورت دارد اما در درازمدت باید یک بخش کارآی کشاورزی به وجود آید. چنین برآورد شده است که در یک «سال عادی» در شرایط حاضر تولید مواد غذایی معمولاً ۱۵٪ زیر سطح لازم برای تغذیه ساکنان کنونی کشور است.

تقاضای بین‌المللی دبیر کل سازمان ملل در ژوئن ۱۹۹۲/جوزای ۱۳۷۱ شامل ۱۸۰ میلیون دلار برای رفع نیازهای اضطراری هفت ماه آخر سال می‌شد. از این میزان بزرگترین سهم ۵۲/۸ میلیون دلار به بازکشت مهاجرین به میهن اختصاص یافته بود، ۴۵/۱ میلیون دلار به نیازهای فوری غذایی و ۲۱/۶ میلیون دلار به بخش کشاورزی تعلق می‌گرفت که [مورد اخیر] عمدتاً صرف تهیه و توزیع بذر و کود می‌شد. کمک‌کنندگان [بعدها] تنها ۱/۳ این تقاضا را متعهد شدند. طرح نوسازی سازمان ملل که در اواسط ۱۹۹۳/ارایل ۱۳۷۲ به تصویب رسید، اعاده خودکفایی کشاورزی، ضرورتاً با سیستمهای تولیدی و املاک خرد را هدف قرار داد، اما اجرای آن مرکول به پیدایش شرایط صلح‌آمیز تر شده بود.

1. UN Coordinator for Humanitarian and Economic Assistance Programmes Relating to Afghanistan.

کشت نشده، و در زمینهایی که کشت شده محصول، عمدتاً به خاطر تخریب جویها و مجاری آب و فقدان کود و بذر جدید ۲۵٪ کاهش پیدا کرده است. در نتیجه بازدهی محصول تنها ۴۵٪ سطح تولید سال ۱۳۵۷/۱۹۷۸ بود و تولید مواد غذایی به کمی بیشتر از نصف میزان قبل از اشغال شوروی رسید. [به همین ترتیب] تعداد گاوها ۵۵٪، گوسفند و بز ۶۵٪ کاهش پیدا کرد و گاوهای نر که برای شخم زدن زمین مورد احتیاج بود به  $\frac{1}{3}$  رسید.

تحقیقات سازمان ملل در سال ۱۳۶۹/۱۹۹۰ که توسط «هماهنگی سازمان ملل برای برنامه‌های بشردوستانه و اقتصادی در ارتباط با افغانستان»<sup>۱</sup> چنین برآورد نمود که تولیدات کشاورزی به ۵۰ تا ۶۰٪ میزان قبل از جنگ کاهش پیدا کرده است. این گزارش، یافته‌های کمیته سوندی را تأیید می‌کند که فقدان گاوهای بومی خرابی جاده‌ها و تخریب و نقص جویهای آبیاری مشکل آفرین است.

تحقیقات سوندیها همچنین در تعیین میزان تلاشهای امدادگرانه مورد نیاز به‌هنگام بازگشت آوارگان به کشور مهم است. برنامه‌های امداد و نوسازی باید چندجانبه بوده و در حالیکه همه بخشهای اقتصاد به کمک نیاز دارند، تمرکز اساسی می‌بایست بر کشاورزی داشته، و در آغاز در مورد تدارک غذایی اطمینان‌بخش باشد. کمکهای غذایی کوتاه‌مدت ضرورت دارد اما در درازمدت باید یک بخش کارآی کشاورزی به وجود آید. چنین برآورد شده است که در یک «سال عادی» در شرایط حاضر تولید مواد غذایی معمولاً ۱۵٪ زیر سطح لازم برای تغذیه ساکنان کنونی کشور است.

تقاضای بین‌المللی دبیر کل سازمان ملل در ژوئن ۱۹۹۲/جوزای ۱۳۷۱ شامل ۱۸۰ میلیون دلار برای رفع نیازهای اضطراری هفت ماه آخر سال می‌شد. از این میزان بزرگترین سهم ۵۲/۸ میلیون دلار به بازگشت مهاجرین به میهن اختصاص یافته بود، ۴۵/۱۰ میلیون دلار به نیازهای فوری غذایی و ۲۱/۶ میلیون دلار به بخش کشاورزی تعلق می‌گرفت که [مورد اخیر] عمدتاً صرف تهیه و توزیع بذر و کود می‌شد. کمک‌کنندگان [بعدهاً] تنها  $\frac{1}{3}$  این تقاضا را متعهد شدند. طرح نوسازی سازمان ملل که در اواسط ۱۹۹۳/اوایل ۱۳۷۲ به تصویب رسید، اعاده خودکفایی کشاورزی، ضرورتاً با سیستمهای تولیدی و املاک خرد را هدف قرارداد، اما اجرای آن موکول به پیدایش شرایط صلح‌آمیزتر شده بود.

معادن شناخته شده افغانستان شامل ذغال سنگ، اورانیوم، نمک، گُرْم، نقره، طلا، گوگرد (سولفور)، باریت (سولفات باریم)، آهن، روی، قلع، فلوریت، تالک، منیزم، میکا، مس و سنگ لاجور؛ می شود، در حالیکه تحقیقات از ذخایر مفید بالقوه پنبه نسوز (آزبست)، جیوه، بوکسیت، نیکل، سرب، تنگستن (ولفرام)، لیتیم و یاقوت (سرخ) نیز خبر می دهند. اما به خاطر مسایل نقل و انتقال و فقدان سرمایه، تنها ذغال سنگ، نمک و کرم به میزان تجاری قابل توجه استخراج شده اند. قبل از پیروزی مجاهدین منافع وسیعی در دورنمای معدن پیش بینی شده و تحقیقات زمین شناسانه و گسترده ای انجام می شد. اهداف استخراجی درازمدت شامل استخراج ۳۰۰۰۰ تن در سال از ۱/۵ میلیون تن ذخایر باریت ولایت هرات، ۲۰۰۰۰ تن در سال تالک و ۱۵۰۰۰۰ تن در سال میکا می شد. بازدهی باریت ۴۱۰۰ تن در سال ۷۸-۱۳۵۶/۱۹۷۷، قبل از کاهش متعاقب جنگ بود. تولید نمک در سال ۷۹-۱۳۵۷/۱۹۷۸، ۸۱۱۰۰ تن، در سال ۸۸-۱۳۶۶/۱۹۸۷، ۱۵۰۰۰ تن و در سال ۹۱-۱۳۶۹/۱۹۹۰، ۱۸۰۰۰ تن بود. ذخایر غنی آهن که استخراج آن نیازمند توسعه است، ۲ میلیارد تن در منطقه حاجی گک، بین کابل و بامیان برآورد شده است.

منافع عمده شوروی سابق در افغانستان در منابع معدنی آن کشور نهفته بود و این کشور تحقیقات زمین شناسانه منتشر نشده چندی انجام داده، جدای از گاز طبیعی، مسکو در صدد فعال کردن معدن مس عینک بود که قبلاً بهره برداری می شد و ذخایر آن ۳/۵ میلیون تن برآورد شده است. همچنین گزارش شد که روسها شروع به استخراج اورانیوم کوه میرداود (بین هرات و شیندند) و منطقه خاکریز در ولایت قندهار کرده بودند. ذخایر جدیداً کشف شده شمال کابل نیز براساس گزارشها تحت برنامه آنها بوده است. روسها در مورد معادن طلای بدخشان که زمین شناسان روسی درباره آنها تحقیقات کرده اند، نیز وعده هایی داده بودند.

### انرژی

صدر گاز افغانستان به شوروی سابق پس از مداخلات روسها روزافزون بوده و افغانستان را صادرکننده خالص انرژی کرده بود.

توازن انرژی، ۱۳۷۲/۱۹۹۳

(میلیون تن، هم‌ارز (معادل) نفت)

نفت	گاز	ذغال سنگ	برق	دیگر موارد	جمع کل	
۰/۰	٪۲۷	٪۰۱	٪۱۵	۱/۴۰	۱/۸۳	تولید
٪۵۰	۰/۰	۰/۰	٪۰۳	۰/۰	٪۵۳	واردات
۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	صادرات
٪۵۰	٪۲۷	٪۰۱	٪۱۸	۱/۴	۲/۳۶	عرضه اولیه
٪۰۱	٪۰۸	۰/۰	٪۱۱	۰/۰	٪۲۱	تبدیل خالص
٪۴۹	٪۱۸	٪۰۱	٪۰۷	۱/۴	۲/۱۵	مصرف نهایی

Source (منبع): Energy Data Associates.

مصرف انرژی عمده تجاری

(۱۰۰۰ تن، هم‌ارز (معادل) ذغال سنگ)

۱۳۶۹/۱۹۹۰	۱۳۶۴/۱۹۸۵	۱۳۵۹/۱۹۸۰	
۱۰۰	۱۵۱	۱۱۹	سوخت جامد
۶۱۹	۷۲۰	۴۷۵	سوخت مایع
۱۷۶۰	۷۹۳	۹۶	گاز طبیعی
۶۶	۹۶	۸۸	برق داخلی و وارداتی
۲۵۴۴	۱۷۵۹	۷۷۸	جمع کل

Source (منبع): Un, Energy Statistics Yearbook.

در سال ۱۳۵۲/۱۹۷۳ افغانستان با مصرف سرانه انرژی تجاری عمده ۵۲ کیلوگرم در میان کشورهای سطح پایین قرار داشت. پس از شروع جنگ میزان مصرف افزایش یافت. این امر تا اندازه‌ای در ارتباط با جنگ بوده ولی عمدتاً به توسعه گاز طبیعی کشور توسط شوروی سابق نسبت داده می‌شود. مصرف کالای سوختی در ۱۳۶۹/۱۹۹۰ برابر  $\frac{۲}{۳}$  مصرف مجموع انرژی عمده تجاری بوده که به ۴/۹۳ میلیون تن (هم‌ارز ذغال سنگ) رسیده است.

ذغال سنگ: ذخایر ثابت شده ذغال سنگ ۱۰۰ میلیون تن تخمین شده است ولی کل ذخایر ممکن است به ۴۰۰ میلیون تن برسد. تولید در سال ۱۳۵۷/۱۹۷۸-۷۹ از معادن کرکر و دودکش به ۲۱۸۰۰۰ تن رسید اما در دو سال بعد از آن به شدت پایین آمد و بعد از آن تا سال ۱۳۶۶/۱۹۸۷-۸۸، پس از سقوط اندکی به تدریج بهبود یافت. طبق برنامه ۹۱ و ۱۹۹۰-۷ و ۱۳۶۵-۶۹/۱۹۸۶ بازدهی ذغال سنگ باید به ۷۰۰۰۰ تن در سال می‌رسد،

عمده ذغال سنگ تولید شده در کارخانه کود شیمیایی نیتروژنی مزار شریف، کارخانه‌ها (نیروگاههای) برق و پس از افزایش صادرات گاز به شوروی به عنوان سوخت صنایع محلی به مصرف می‌رسید.

**گاز طبیعی:** منبع عمده انرژی افغانستان گاز طبیعی است که ذخایر آن ۱۰۰ تا ۱۵۰ میلیارد متر مکعب برآورد شده است. استخراج از حوضه‌های ولایت جوزجان و فاریاب در شمال افغانستان و نزدیک مرز شوروی سابق در سال ۱۳۶۷/۱۹۸۸ به ۳ میلیارد متر مکعب رسید. بخش عمده آن از طریق خط لوله‌ای که در سال ۱۳۴۸/۱۹۶۷ ساخته شد به شوروی صادر می‌شد؛ و پس از سال ۱۳۶۹/۱۹۸۰ متعاقب تکمیل تأسیسات گاز «جرقودوق» [در جنوب شیرغان] در ۵۰ کیلومتری مرز توسط شوروی که ظرفیتی معادل ۱/۵ تا ۲ میلیارد متر مکعب در سال داشت (با تغلیظ ۱۵/۱۰۰ تن) این تدارکات [ظاهراً برای استخراج و صدور گاز] افزایش یافت.

درآمد گاز طبیعی براساس گزارش «تاس» در سال ۱۳۵۸/۱۹۷۹ بالغ بر ۲۰۰ میلیون دلار می‌شد در سال ۱۳۶۲/۱۹۸۴ این مبلغ به ۳۱۴ میلیون دلار یعنی ۵۰٪ کل درآمد صادرات رسید. تحویل گاز به شوروی بالغ بر ۲/۳ میلیارد متر مکعب در سالهای ۱۹۸۱ و ۱۳۶۰/۱۹۸۲ و ۱۳۶۱، و ۲/۴ میلیارد متر مکعب در ۱۳۶۲/۱۹۸۳ می‌شد، رادیو کابل در سال ۱۳۶۴/۱۹۸۵ گزارش داد که تولید گاز طبیعی در دوره ۸۴-۶۳/۱۹۷۸-۶۳-۱۳۵۷ به ۱۵/۴ م.م.م. رسیده است، ولی درآمد گاز در سالهای ۱۳۶۴/۱۹۸۵-۶۶-۱۳۶۴ به حداکثر سال ۱۳۶۳/۱۹۸۴ نرسید.

در فوریه ۱۹۸۹/دلو ۱۳۶۷ که آخرین دستجات نظامی شوروی خاک افغانستان را ترک کردند. بر حوضه‌های گاز شمال سرپوش گذاشته شد تا از خرابکاریهای احتمالی مجاهدین جلوگیری به عمل آید و بدین ترتیب این کشور از درآمد عمده صادرات محروم شد. در فوریه ۱۹۹۰/دلو ۱۳۶۸ تمهیداتی برای از سرگیری تولید گاز برای صادرات به عمل آمد و در ماه مه/ثور حکومت افغانستان پروتکل جدیدی را با روسیه برای صادرات گاز امضا کرد. این توافق همچنین اکتشاف و توسعه گاز را در بر می‌گرفت. در نوامبر ۱۹۹۰/قو ۱۳۶۹ متخصصان شوروی گزارش دادند که به مرحله صدور مجدد گاز رسیده‌اند. اما اینکار تا فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در اواخر ۱۹۹۱ و اواسط ۱۳۷۰ مجدداً شروع نشد. خط لوله گاز که حوضه [تولید] را به شوروی وصل می‌کرد از دوشنبه می‌گذشت و تلاشهای بعدی رژیم نجیب‌الله که گاز را به تاجیکستان - که خود



نیز منابعی داشت - بفروشد، به خاطر عدم توافق درباره قیمت آن باشکست مواجه شد. بهای گاز طبیعی تا فوریه ۱۹۸۹/دلو ۱۳۶۷ با بدهی افغانستان به شوروی و واردات سرمایه و کالاهای تجاری از آن کشور معامله پایاپای (موازنه) می شد. حفاری و اکتشاف (در زمین و نیز از طریق ماهواره) متعاقباً افزایش یافت. ذخایر نفت اگرچه به طور رسمی تنها ۱۰۰ میلیون بشکه برآورد شده است، بسیاری بر این نظرند که در نقاط شمالی و هم جنوبی کشور این ذخایر باید به مراتب بیشتر از اینها باشد. شوروی همچنین اعلام کرده بود که در شمال برنامه‌هایی برای ساختن یک تصفیه‌خانه (پالایشگاه) نفت با ظرفیت ۵۰۰۰۰ تن در سال دارد، پروژه‌ای که مطرح شد اما مرتباً هر سال به سالهای بعد موکول می شد. یک شبکه تدارکات ذخیره نفت نیز در اطراف کشور ساخته شده بود، ولی از نظر استراتژیکی در موقعیتهایی قرار داشت که نیازهای نظامی شوروی را برآورده نماید.

برق: بیشترین ظرفیت تولید برق، هیدروالکتریک (آبی) است. چندین بند (سد) توسط شوروی بر روی دریای (رودخانه) کندوز در شمال طراحی شده بود؛ اینها باید به سیستمهای [برق] جنوب شوروی وصل می شد. در پایان ۱۹۸۲/اواسط ۱۳۶۱ بر اساس برآوردهای سازمان ملل، ظرفیت نیروی برق ۳۹۲mw (میلیون وات ساعت) در مقایسه با ۳۲۵mw پایان ۱۹۷۵/اواسط ۱۳۵۴ بوده است. رشد بازدهی برق به طور رسمی نرخ متوسطی معادل ۴٪ در سال بیش ۷۹-۱۹۷۰/۵۸-۱۳۴۹ و سال ۸۸-۱۹۸۷/۱۳۶۷ داشته است. علیرغم این رشد بازدهی، افغانستان در ۸۹-۱۹۸۸/۱۳۶۷، ۴۲mw (میلیون کیلووات ساعت) برق - که به طور رایگان از طریق شوروی تدارک شده - وارد کرده است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی  
 رتال جامع علوم انسانی

### تولید انرژی

۱۹۸۸-۹	۱۹۸۷-۸	۱۹۸۶-۷	۱۹۸۵-۶	
۱۳۶۷	۱۳۶۶	۱۳۶۵	۱۳۶۴	زغال سنگ (۱۰۰۰×تن)
۱۳۸	۱۶۷	۱۶۰	۱۵۱	گاز طبیعی (پتاژول)
۱۱۴	۱۱۳	۱۱۱	۱۱۱	برق (میلیون کیلووات)
۱۱۰۹	۱۲۵۷	۱۱۷۱	۱۰۶۰	

Source (منبع): ADB, Key Indicators of Developing Asian and Pacific Countries; UNCTAD, Country Presentation, by the Government of Afghanistan.

در اواسط ۱۹۹۳/۱۷ اریل ۱۳۷۲ سازمان ملل تعدادی پروژه بازسازی و نوسازی عاجل برای مرمت و تعمیر تدارکات اصلی انرژی در نظر گرفت. بیشتر سرمایه گذاری به بخش فرعی برق اختصاص داشت. سازمان ملل خاطر نشان کرد که این سیستم در مرحله بحرانی قرار دارد، چراکه کارخانه های برق، ترانسفورماتورها و مبدلها، سالها بدون قطعات یدکی و ملاحظات احتیاطی کار کرده اند. شبکه های مرکزی و ۶۰٪ خطوط انتقال از تخریب و چپاول جنگ مصون نمانده اند.

ذخایر ذغال سنگ در طی بازسازی معادن کرکر/دودکش [واقع در پلخمری] و بازگشایی معدن آش پشته [در شمال غوربند]، باید به تولید ۲۵۰۰۰۰ تن در سال - که در سال ۱۳۷۱/۱۹۹۲، ۷۰۰۰۰ تن محاسبه شده - برسد. نوسازی مقدماتی زیرساختارهای گاز [در این طرح] در نظر گرفته شده و کمکهای فنی طوری طراحی شده که صادرات گاز باید از سر گرفته شود. [در شرایط فعلی] فقدان درآمد صادرات، ۱۵۰ تا ۲۰۰ میلیون دلار در سال محاسبه شده است. زیرساختارهای گاز اگر چه در دوران جنگ کمترین صدمه را دیده ولی به شدت رو به خرابی است؛ چراکه سیستم ضد خوردگی و فساد لوله های انتقال مدت زیادی کار نخواهد کرد.

## صنعت

بخش صنعت عمدتاً استفاده از مواد اولیه کشاورزی محلی را محور قرار داده است. در میان واحدهای بزرگ تولیدی، چند کارخانه پنبه (اولین کارخانه پیشرفته آن در ۱۳۰۹/۱۹۳۰ تأسیس شد)، و کارخانجات ابریشم مصنوعی، منسوجات پشمی، بوره (شکر) سمنت (سیمان) دارای اهمیت است کود شیمیایی در مزار شریف از گاز طبیعی تولید می شد که بازدهی آن از ۱۸۰۰۰۰ تن در سال ۷۵-۱۳۵۳/۱۹۷۴ به ۱۰۶۰۰۰ تن در ۸۲-۱۳۶۰/۱۹۸۱ کاهش پیدا کرد. پلان ۹۱ و ۱۹۹۰-۸۷ و ۱۳۶۹۱۹۸۶-۱۳۶۵ بازدهی ۲۰۰۰۰ تن را از طریق انکشاف کارخانه در نظر داشت. در نیمه اول ۸۹-۱۳۶۷/۱۹۸۸ تولید متجاوز از این میزان بود. در سالهای جنگ به خاطر خرابی و فقدان مواد خام و قطعات یدکی بسیاری از شرکتها و کارخانجات از فعالیت باز ماندند یا به حداقل ظرفیت تولید بسنده کردند.

بانک انکشاف (توسعه) صنعتی افغانستان در ۱۳۵۲/۱۹۷۳ تأسیس شد تا وام لازم برای پروژه های صنعتی تصویب شده را تأمین نماید. در سال ۱۳۵۳/۱۹۷۴ اتحاد جماهیر شوروی موافقت نموده به ۲۱ پروژه در طی ۵ سال آینده مساعدت نماید. این پروژه ها

شامل تأسیس کارخانجات برق ایجاد تعمیر (ساختمان) کارخانه ذوب مس، انکشاف کارخانه کود شیمیایی و تأسیس یک کارخانه پنبه پاک کنی و نخریسی می شد. ایران نیز در صدد تدارک کمکهای مالی برای پروژه های صنعتی جدید و توسعه حمل و نقل بود، اما منافع آن پس از تغییر رژیم در هر دو کشور [۱۳۵۷/۱۹۷۸] تغییر کرد.

بنابراین نظر مجله، «بازرگانی خارجی» شوروی، سرمایه گذاری مخاطره آمیز این کشور در افغانستان شامل ۳۶٪ ارزش بازدهی صنعتی ملی [افغانستان] (که حدود ۴۱۵ میلیون دلار محاسبه شده) در سال ۱۳۵۸/۱۹۷۹ و ۶۰٪ کل بازدهی بخش دولتی می شد. در میان پروژه هایی که به کمک ا.ج. شوروی راه انداخته شد. مهمترینها پروژه گاز شبرغان، کارخانه کود نیتروژنی مزار شریف و کارخانه انجنیری (مهندسی) جنگلک بود که [مورد اخیر] در ۸۰-۱۳۵۸/۱۹۷۹ کالاهایی (عمدتاً قطعات ماشین آلات و وسایط نقلیه شوروی) به ارزش ۱۷۱/۷ میلیون افغانی تولید کرد.

### بازدهی گزیده ای از اقلام صنعتی

(۱۰۰۰× تن، مگر اینکه شاخص دیگری داده شده باشد)

۱۹۹۰-۹۱ ۱۳۶۹	۱۹۸۹-۹۰ ۱۳۶۸	۱۹۸۸-۸۹ ۱۳۶۷	۱۹۸۷-۸۸ ۱۳۶۶	۱۹۸۶-۸۷ ۱۳۶۵	۱۹۸۵-۸۶ ۱۳۶۴	۱۹۸۴-۸۵ ۱۳۶۳
۱۸۶	۱۶۵	۱۶۶	۲۰۳	۱۰۳	۱۲۷	سمنت (سیمان)
۱۰۶	۱۰۵	۱۱۷	۱۲۳	۱۲۶	۱۰۶	کود شیمیایی (اوره)
$\frac{n}{a}$	$\frac{n}{a}$	$\frac{n}{a}$	$\frac{n}{a}$	$\frac{n}{a}$	۱۱	بوره (تصفیه شده)
۱۸۶	۱۶۵	۱۶۶	۲۰۳	۱۸۷	۹۷	آرد گندم
$\frac{n}{a}$	$\frac{n}{a}$	$\frac{n}{a}$	$\frac{n}{a}$	$\frac{n}{a}$	۱۰	روغن گیاهی
$\frac{n}{a}$	$\frac{n}{a}$	$\frac{n}{a}$	$\frac{n}{a}$	$\frac{n}{a}$	۷۷	منسوجات نخی (میلون متر)
$\frac{n}{a}$	$\frac{n}{a}$	$\frac{n}{a}$	$\frac{n}{a}$	$\frac{n}{a}$	۴۵	پنبه پاک شده
$\frac{n}{a}$	$\frac{n}{a}$	$\frac{n}{a}$	$\frac{n}{a}$	$\frac{n}{a}$	۲۳	منسوجات ابریشمی مصنوعی (میلون متر)
۱۶۷	۱۷۱	۱۶۳	۲۲۵	۲۶۸	۴۰۵	منسوجات پشمی (۱۰۰۰ متر)
۳۳	۴۵	۴۷	۵۱	۶۹	۳۸	میوه خشک
$\frac{n}{a}$	$\frac{n}{a}$	$\frac{n}{a}$	$\frac{n}{a}$	$\frac{n}{a}$	$\frac{n}{a}$	لوله (۱۰۰۰ حلقه)

Source پلان انکشاف پنجساله (۱۹۸۳-۱۹۷۹-۱۳۶۲-۱۳۵۸): ۱) (منبع)

۲) ADB, Key Indicators of Developing Asian and Pacific Countries.

بازدهی ناخالص صنعتی (به انضمام معدن) در سال ۸۱-۱۳۵۹/۱۹۸۰ بر اساس ارقام

رسمی مجموعاً ۲۸/۸ میلیارد افغانی یعنی ۶٪ کمتر از ۳۰/۷.۱ سال قبلی آن بوده است. بازدهی بخشها تا سال ۸۴-۱۹۸۳/۱۳۶۲ که ۱۳٪ افزایش محصول وجود داشت و متعاقب آن در ۸۵-۱۹۸۴/۱۳۶۳ انکشاف ۱۱ درصدی صورت گرفت، راکد مانده بود. در حالیکه بیشتر این رشد احتمالاً به بازدهی روزافزون گاز و ذغال سنگ (نگاه کمیته به بخش «انرژی») تعلق داشت. آمارهای رسمی رشد صنعت و معدن را هم‌مطراز عنوان می‌کردند.

## ترانسپورت (حمل و نقل) و ارتباطات

### جاده‌ها

در دهه قبل از اشغال شوروی بخش مهمی از کمکهای خارجی برای ساختن جاده‌ها و میدانهای هوایی (فرودگاهها) صرف می‌شد؛ بیش از ۲۰۰۰ کیلومتر جاده آسفالت و کانکرتی (بتونی) ساخته شد. این کشور از شبکه راههای نسبتاً خوبی برخوردار بود که مراکز شهری عمده را به هم وصل می‌کرد. در مجموع حدود ۱۸۰۰۰ کیلومتر راه در افغانستان وجود دارد که ۲۸۰۰ کیلومتر آن تسطیح شده است. جنگ خرابیهای بسیاری را باعث شده است. براساس گزارش «هماهنگی سازمان ملل برای افغانستان»<sup>۱</sup> ۲۰۰۰ کیلومتر جاده پخته (آسفالت) (یعنی نزدیک به مجموع آنچه قبل از جنگ ساخته شده بود) و ۳۰۰۰ کیلومتر جاده درجه ۲ خراب شده و تقریباً ۳۰۰ پل از بین رفته است.

در دهه ۱۳۵۰/۱۹۷۰ بسیاری از پروژه‌های عمده جاده‌سازی به انضمام پروژه «بزرگراه آسیایی» جنبه پرستیژ داشتند که از رقابت در تأثیرگذاری بین شرکای عمده، ا.ج. شوروی و ام. امریکا ناشی می‌شد. در سال ۱۳۵۷/۱۹۷۸ در افغانستان ۲۶۰۰۰ اتومبیل سواری و ۲۶۷۰۰ وسیله نقلیه نجاری که ستون فقرات سیستم توزیع را تشکیل می‌داد، راجستر (ثبت) شده بود. مجموع وسایط نقلیه در ۱۳۶۱/۱۹۸۲، ۸۲۸۰۰ عراده (۴۵۵۰۰ موتر بساری «کامیون» ثبت شده بود. در سال ۸۲-۱۹۸۱/۱۳۶۰، ۴۵۰ کامیون و ۲۰۰ سرویس (اتوبوس) از شوروی، اطریش و چکسلواکیا وارد شد و شوروی در اوگست ۱۹۸۹/۱۳۶۸ موافق کرد که ۵۰۰۰ وسیله نقلیه به انضمام ۵۰۰ کامیون کماز که کالاهای تجاری را از مرز این کشور به کابل حمل و نقل نمایند، فراهم کند.

افغانستان محاط به خشکی نیازمند برخورداری از حقوق ترانزیت از طریق کشورهای همسایه است. بیشتر بازرگانی خارجی این کشور به طور سنتی از طریق

پاکستان با کامیون از یابنه پیشاور و از آنجا با قطار از یابنه کراچی - کوه تاهترین و کم هزینه ترین راه به دریای آزاد - انجام می شد. استفاده از راه کراچی متعاقباً با تمایل به استفاده از راه زمینی با کامیون یا قطار از طریق شوروی که پس از انقلاب ایران و مداخلات شوروی در افغانستان اهمیت بیشتری یافت، کمتر شد. تسهیلات بندری با ساختمان پلهای روی آمودریا و توسعه بندر آن، افزایش یافت.

سازمان ملل خاطر نشان می سازد که بازسازی شبکه راههای افغانستان برای بهبود دیگر بخشها به اندازه تقویت فعالیت اقتصادی روزمره قاطع و حیاتی است. حدود ۶۰٪ از راههای ۲۵۰۰ کیلومتری اصلی (با درجات مختلف) باید بازسازی شوند. شبکه راههای منطقه ای نیز وضعیت بدی دارد. حدود ۲۷ پل مهم در اتصالات با اهمیت جاده ای نیاز به جایگزینی دارند، و پلهای کوچکتر بسیاری صدمه دیده یا تخریب شده اند. بازسازی از طریق مقاطعه کاریهای محلی توصیه شده است.

### راه آهن

در افغانستان راه آهن وجود ندارد، اگر چه پلان هفت ساله ۱۹۸۲-۱۹۷۶/۱۳۶۱-۱۳۵۵ یک پروژه بلند بالا برای ساختن ۱۸۰۰ کیلومتر خط آهن در نظر داشت که هزینه اقتصادی آن توسط ایران فراهم می شد؛ طرحی که در آغاز نیز تردید آمیز به نظر می رسید. کار آن در مسیری بین کابل و بندر شوروی فقط شروع شد.

### میدانهای هوایی (فرودگاهها)

در کابل و قندهار میدانهای هوایی پیشرفته ای وجود دارند و نیز چند فرودگاه کوچکتر ولایتی در هرات، جلال آباد و مزار شریف. حمل و نقل داخلی و بین المللی افغانستان در سال ۱۳۶۵/۱۹۸۶ خطوط هوایی «افغان باختر» را تأسیس کرد. تعداد طیارت آن ۱۱ فروند بود که عمدتاً روسی بودند. این ناوگانی هوایی در جنگ تضعیف شد. سازمان ملل با توصیف تأثیرات «مصیبت بار» جنگ بر زیر ساختارهای هوانوردی داخلی، طرفدار یک پروژه اضطراری برای کارکرد امن تر افیک هوایی است.

### مخابرات

سازمان ملل می گوید که سیستم مخابرات از بیشتر جنبه ها آنچنان خراب شده که قابل تعمیر نیست، و لذا سیستم ارتباطی ماهواره ای را توصیه می کند.



حکومت جمهوری ادعای موفقیت‌های قابل توجهی در توسعه مجموعه‌ای از درآمدها و دیگر مالیات‌های مستقیم و بودجه کردن مازاد عمده‌ای از آنرا برای واگذاری به پلان انکشاف سرمایه‌ای داشت. ولی مالیات‌ها منبع ناچیز درآمدهای جاری باقی ماند<sup>۱</sup> و بودجه کردن مازاد آن به ندرت جامه عمل پوشید. ادارات دولتی و امور دفاعی به طور سنتی در رأس هزینه‌های عمده جاری قرار داشت. همانطور که قبلاً خاطر نشان شد تمام احصاییه‌ها و اظهارات اقتصادی منابع دولتی باید با احتیاط مورد بررسی قرار گیرد. به عنوان مثال در اواسط ۸۲-۱۹۸۱/اوایل ۱۳۶۰ رژیم ادعا کرده که درآمد دولتی از منابع داخلی بالاتر از بودجه پلانگذاری شده است؛ تنها کمی بعد از آن صدر اعظم از وضعیت مخاطره‌آمیز مالی در مواجهه با هزینه‌های صعودی و سقوط درآمدها ناله و شکایت می‌کرد، و بعداً یک کسر بودجه ۲/۴ میلیارد افغانی برای همین سال به طور رسمی اعلام شد. جمع‌آوری مالیات که در افغانستان قبیله‌ای هرگز نمی‌تواند کاملاً مؤثر باشد، یکی از اولین کارکردهایی بود که جنگ و خروج آوارگان بر آن تأثیر [منفی] گذاشت، درآمدهای غیر مالیاتی که عمده آن احتمالاً کمک‌های شوروی بود، عدم توازن را باعث گردید.

بودجه سال ۸۰-۱۳۵۸/۱۹۷۹ آخرین بودجه‌ای که هزینه‌ها را به تفکیک هر بخش ارائه کرده بود. کل هزینه‌ها در این سال ۲۵/۷ میلیارد افغانی در نظر گرفته شده بود که ۵/۳٪ نسبت به بودجه ۳۳/۹ م.ا. سال قبل افزایش داشت. بودجه انکشاف بالغ بر ۴۹٪ کل هزینه‌ها می‌شد - یعنی ۱۷/۵ م.ا. که ۱۰/۵ م.ا. آن برای سرمایه‌گذاری خارجی در نظر گرفته شده بود، بخشهایی که سهم عمده بودجه و بزرگترین افزایش تخصیص را شامل می‌شدند اینها بودند: صنعت و معدن ۲/۴ میلیارد افغانی، (افزایش ۱۷٪ نسبت به سال قبل) تحصیلات ۲/۲ م.ا. (۲۹/۴٪ افزایش)، زراعت ۲/۲ م.ا. (۸/۵٪) و امور صحتی ۲۹۴ میلیون افغانی (۳۹/۵٪).

حکومت «بودجه متوازن»<sup>۲</sup> را در سال ۸۱-۱۳۵۹/۱۹۸۰ با مجموع درآمد ۳۳/۷ میلیارد افغانی، یعنی ۵/۶٪ کمتر از سال قبل اعلام کرد. این بودجه شامل ۸/۵ م.ا. و کمک بلاعوض خارجی می‌شد که به طور خاص همه از جانب ا.ج. شوروی و کالاهای

۱. قابل ذکر است که افزایش سهم مالیات در تأمین هزینه‌های بودجه یک کشور با میزان انکشاف آن رابطه مستقیم دارد. (م)
۲. در بودجه متوازن یا متعادل مخارج طرح‌ریزی شده، معادل عواید و درآمدهای انتظاری خواهد شد. (فرهنگ اقتصاد و بازرگانی، دکتر مرتضی قره‌باغیان).

اهدایی این کشور (گندم، بوره (شکر)، روغن خوراکی و منسوجات) به ارزش ۱/۷م.ا.، تأمین می‌شد. برای پروگرام انکشاف ۱۴/۵م.ا. اختصاص یافته بود ولی جزئیات تفکیک به بخشها ارائه نشده بود.

هزینه‌های انکشاف در ۸۲-۱۹۸۱/۱۳۶۰ به ۸۸م.ا. محدود می‌شد و سهم آن در سال ۸۳-۱۹۸۲/۱۳۶۱ تا ۱۳۷/۱۳۶۰م.ا. بود که از این میزان ۴۵٪ تأمین مالی داخلی می‌شد و بقیه خارجی (۸۳٪ از کشورهای بلوک شرق) و به هر حال، ارقام رسمی انتشار یافته حاکی از این بودند که اهداف فوق عمدتاً به عنوان بخشی از فشار بر هزینه‌های سرمایه‌ای عمل می‌کردند. در سال ۷۵-۱۹۷۴ تا ۷۸-۱۹۷۷/۱۳۵۳ تا ۱۳۵۶ هزینه‌های سرمایه‌ای ۴۵٪ کل هزینه‌های حکومتی را شامل شده و عملاً در سال اخیر بر هزینه‌های جاری پیشی گرفت. از این سال تا ۸۵-۱۹۸۴/۱۳۶۳ سهم هزینه‌های سرمایه‌ای به ۱۸٪ سقوط کرد.

بودجه اعلام شده در ۹۱-۱۹۹۰/۱۳۶۹، ۱۶/۱م.ا. را به انکشاف اختصاص داده بود؛ ۴۳٪ افزایش نسبت به سال قبل، ارقام اجزای این بودجه در دسترس نیست، به هر حال گزارش داده شد که هزینه‌ها ۱۲/۱٪ افزایش داشته است.

این بیانگر آن بود که انتظار می‌رفت هزینه‌های جاری به طور معتدل بالا رود؛ به علاوه تسهیلاتی در مورد افزایش مقرری غذایی و حمل و نقل برای مستخدمان دولتی اعلام شد و در سال ۹۲-۱۹۹۱/۱۳۷۰ هزینه بودجه شده برای انکشاف به ۱۵/۶م.ا. کاهش پیدا کرد.

بودجه انکشاف تا سال ۷۸-۱۹۷۷/۱۳۵۶ عمدتاً توسط بانک افغانستان و کمکهای خارجی تأمین مالی می‌شد. ا.ج. شوروی (با تدارک بیش از ۶۰٪ آن)، م.ا. امریکا و بانک جهانی عمده‌ترین تأمین‌کنندگان بودند، اما در اواسط دهه ۱۹۷۰/۱۳۵۰ منابع کمک دیگری نیز روی صحنه ظاهر شدند؛ ایران ۷۰۰ میلیون دلار برای پروژه‌های زیر ساختاری و صنعتی و عربستان ۴۲۵ میلیون دلار تعهد کردند. پس از بروز انقلاب در ایران و پیروزی کمونیستها در کابل وضعیت تغییر کرد و متعاقب مداخلات روسها، منابع کمک بین‌المللی ادامه کمکهای خود را به تعویق انداختند. در مقابل کمکهای روزافزون شوروی و «کمکون»<sup>۱</sup> جایگزین آن شد. پس از ۷۹-۱۹۷۸/۱۳۵۷ اطلاعات آشکار نمی‌کنند که چگونه حکومت کسری بودجه‌اش را جبران می‌کرد. کمکهای شوروی بدون شک بخشی از هزینه‌ها را تأمین می‌کرد اما رشد سریع پول همطر از کسر بودجه حاکی از این بود که رژیم مبادرت به چاپ پول فراوان [بدون پشتوانه] می‌کرد.

۱. شورای همکاریهای متقابل اقتصادی (بلوک شرق) «Concil for Mutual Economic Aid» یا «Comecon» که در سال ۱۹۴۱ تأسیس شد (م)

پس از موافقتنامه مه ۱۹۸۸/ثور ۱۳۶۷ ژنو، سازمان ملل اعتبار ۲ میلیارد دلاری برای بازسازی اقتصاد افغانستان پیشنهاد کرد که باید طی یک دوره ۱۸ ماهه پرداخت می شد. تا اگست ۱۹۸۹/اسد ۱۳۶۸، ۷۱۶ میلیون دلار آن به صندوق ریخته شد که بالاترین سهم آنرا (۱۵۰ میلیون دلار) ا.ج. شوروی تعهد کرده بود.

تغییر حکومت افغانستان در اپریل ۱۹۹۲/حمل ۱۳۷۱ و متعاقب آن تشدید جنگها بین مجاهدین مانع جریان هر نوع کمک خارجی گردید. کمک و اعتبار دهندگان تأکید داشتند که پیدایش صلح قبل از تعهد هر نوع تأمین اعتبار قابل توجهی لازم است. حکومت جدید خودش هیچ منبعی برای بازسازی و نوسازی نداشت. در اواسط مه ۱۹۹۲/اواخر ثور ۱۳۷۱ فایم مقام وزیر مالیه (دارایی) به سازمان ملل اطلاع داد که وزارتخانه اش برای هزینه های جاری در این سال نیاز به بودجه ۶۶۶ میلیارد افغانی دارد و اینکه درآمدها تنها ۱۰۸۹.۱ آنرا می تواند تأمین نماید. این ارقام تنها نیازمندیهای آن بخش از کشور را نشان می داد که تحت کنترل حکومت قبلی بود.

### امور مالی حکومت مرکزی

(میلیون افغانی)

۱۹۸۳-۵	۱۹۸۲-۴	۱۹۸۱-۳	۱۹۸۰-۲	۱۹۷۹-۱	۱۹۷۸-۵	
۱۳۶۳	۱۳۶۲	۱۳۶۱	۱۳۶۰	۱۳۵۹	۱۳۵۳	
۳۷۶۱۵	۳۴۷۴۴	۳۳۶۲۴	۲۹۹۷۸	۲۶۲۹۵	۱۰۲۵۰	درآمد جاری
۱۷۰۸۱	۱۳۹۵۲	۱۰۸۰۳	۹۰۴۱	۹۹۲۶	۷۱۶۶	مالیاتها
۲۰۵۳۴	۲۰۷۹۲	۲۲۸۲۱	۲۰۹۳۷	۱۶۳۶۹	۳۰۸۴	درآمدهای غیر مالیاتی
۴۳۱۷۷	۳۷۷۶۰	۳۰۰۶۴	۲۶۸۳۱	۱۹۵۷۵	۶۲۴۴	هزینه های جاری
-۵۵۶۲	-۳۰۱۶	۳۵۶۰	۳۱۴۷	۶۷۲۰	۴۰۰۶	موازنه جاری
۸۰۰۰	۵۴۳۳	۵۲۶۲	۵۵۷۹	۴۹۷۸	۶۴۹۸	هزینه سرمایه ای
-۱۳۵۶۲	-۸۴۹۹	-۱۷۰۲	-۲۴۳۲	۱۷۴۲	-۲۴۹۲	موازنه کل
						تأمین مالی:
$\frac{n}{a}$	$\frac{n}{a}$	$\frac{n}{a}$	$\frac{n}{a}$	$\frac{n}{a}$	-۵۹۳	قروض داخلی
$\frac{n}{a}$	$\frac{n}{a}$	$\frac{n}{a}$	$\frac{n}{a}$	$\frac{n}{a}$	۱۶۴۵	قروض خارجی
$\frac{n}{a}$	$\frac{n}{a}$	$\frac{n}{a}$	$\frac{n}{a}$	$\frac{n}{a}$	-۴۱۰	به کارگیری مانده نقدی

Source (منبع): ADB, Key Indicators of Developing Asian and Pacific Countries.

۱. کلیه هزینه های غیر سرمایه ای.

۲. خالص باقیمانده از حساب جاری در تراز پرداختهای خارجی.

بانک افغانستان» کارکردهای بانکی مرکزی و تجاری را همزمان انجام می‌داد. دیگر بانکهایی که در افغانستان فعالیت داشتند بانک ملی افغان، «دپشتانی تجارتي بانک»، بانک اعمار و ساختمان، صندوق اعتبار صنعتی و بانک زراعت بودند. منابع [مالي] آنها محدود بوده و کارکرد آنها عمدتاً در زمینه بازرگانی بود. یک بانک انکشاف صنعتی با سرمایه اعطایی ۲۴۰ میلیون افغانی در ۱۳۵۲/۱۹۷۳ تأسیس شد. بانکهای خارجی و شرکتهای مالی بین‌المللی بیش از ۴۰٪ سهام [بانکهای داخلی] را تأمین می‌کردند. یک بانک انکشاف صادرات با سرمایه ۱۰۰ میلیون افغانی در ۱۳۵۵/۱۹۷۶ تأسیس شد و کمکهای فنی و اداری آنرا سازمان ملل فراهم می‌کرد.

## پول و اعتبار

(میلیارد افغانی با پایان دوره)

۱۹۹۰	۱۹۸۹	۱۹۸۸	۱۹۸۷	۱۹۸۶	۱۹۸۵	
۱۳۶۹	۱۳۶۸	۱۳۶۷	۱۳۶۶	۱۳۶۵	۱۳۶۴	
۳۱۱/۹۲	۲۲۲/۷۲	۱۵۲/۳۳	۱۱۲/۴۹	۷۱/۴۰	۶۴/۳۹	پول در گردش
۱۸/۲۲	۱۱/۷۰	۹/۵۳	۵/۶۴	۴/۱۳	۳/۷۱	سپرده تقاضا (عندالمطالبه)
۳۵۱/۰۳	۲۵۱/۰۶	۱۷۹/۴۱	۱۳۱/۴۲	۸۵/۱۱	۷۶/۳۶	پول و موارد دیگر (M <sub>1</sub> ) <sup>۱</sup>
۳۹/۸	۳۹/۹	۳۶/۵	۵۴/۴	۱۱/۵	۱۶/۴	درصد رشد M <sub>1</sub>
۴۶/۳۱	۳۱/۶۰	۲۶/۷۳	۲۱/۸۷	۱۶/۲۸	۱۴/۲۸	شبه پول <sup>۲</sup>
۳۹۷/۳۳	۲۸۲/۶۷	۲۰۶/۱۵	۱۵۳/۲۹	۱۰۱/۷۹	۹۰/۶۴	پول (M <sub>2</sub> ) <sup>۳</sup>
۴۰/۶	۳۷/۱	۳۴/۵	۵۰/۶	۱۲/۳	۱۶/۹	درصد رشد M <sub>2</sub>
۴۴۷/۴۱	۳۰۱/۰۷	۲۱۰/۰۷	۱۵۵/۲۸	۱۰۳/۹۶	۸۳/۰۸	اعتبار داخلی
۴۱۴/۷۷	۲۷۴/۲۴	۱۸۷/۴۸	۱۲۶/۲۳	۶۹/۴۴	۵۵/۶۹	مدعا به حکومت مرکزی
۰/۴۵	۰/۵۰	۰/۳۶	۰/۳۷	۱/۰۲	۰/۴۸	مدعا به حکومت محلی
۴/۱۱	۴/۹۵	۳/۰۲	۱۴/۱۴	۲۳/۲۲	۱۸/۹۶	مدعا به سرمایه گذارهای عمومی غیر مالی
۲۶/۵۵	۱۹/۹۷	۱۷/۵۸	۱۲/۷۰	۸/۷۷	۶/۷۳	مدعا به بخش خصوصی
۱/۵۳	۱/۴۱	۱/۶۴	۱/۸۴	۱/۳۱	۱/۲۳	مدعا به دیگر نهادهای مالی
۴/۱۶	۲۰/۵۷	۲۶/۱۳	۲۵/۲۶	۱۷/۹۲	۲۲/۷۲	دارایی خالص خارجی

Source (منبع): IMF, International Financial Statistics.

۱. کل اسکناس مسکوک در گردش به علاوه ارزش بانکی حسابهای جاری (فرهنگ اقتصاد و بازرگانی، دکتر مرتضی قره‌باغیان).
۲. دارایی که همانند پول به عنوان معیار انباشت ارزش مورد استفاده قرار می‌گیرد، مانند اسناد، اوراق قرضه، حسابهای پس‌انداز. (منبع فوق)
۳. مورد الف (M<sub>1</sub>) + سپرده‌های با بهره بانکی. (منبع فوق)

در اوایل ژوئن ۱۱/۱۹۷۵ جزوای ۱۳۵۴ حکومت اعلام کرد که تمام بانکها در افغانستان به منظور ایجاد سیستم بانکی مولد و سازمان یافته ملی شده‌اند. واضح بود تنها «بانک ملی افغان» که خصوصی بود از این پروسه تأثیر پذیرفته است، چرا که بقیه تحت کنترل یا مالکیت دولتی بودند. علی‌رغم طبیعت سوسیالیستی رژیم، در «سرای شاهزاده بازار» صرافان به کار خود ادامه می‌دادند. بانک مرکزی منطقه بازار را اعلام و نرخ رسمی افغانی را بر طبق آن تعیین می‌کرد. در سراسر دهه ۱۹۸۰ عرضه پول، افزایشی به مراتب فراتر از رشد واقعی اقتصاد داشت، به طوری که حکومت آشکارا از چاپ پول (اسکناس) به عنوان ابزار تأمین مالی کسر بودجه استفاده می‌کرد.

## تجارت خارجی

احصاییه‌های رسمی مبادلات کالا، با استثنای کردن سطح بالایی از معاملات غیرقانونی - پس از مازاد غیر معمولی که در سال ۸۰-۱۳۵۸/۱۹۷۹ ثبت شد - کسری موازنه تجاری قابل توجهی را در سراسر دهه ۱۹۸۰/۱۳۶۰ نشان می‌دهند. از ۸۵-۱۳۶۳/۱۹۸۴ به بعد همانطور که صادرات کاهش می‌یافت، کسری بودجه افزایش پیدا می‌کرد، در حالیکه واردات - با نوسانات بسیار - رشد کلی در سراسر دهه داشته است. تصمیم شوروی بر سرپوش گذاشتن روی چاههای گاز شمال در فوریه ۱۹۸۹/دلو ۱۳۶۷ (ن.ک. به بخش انرژی) کسری موازنه بازرگانی در سال ۹۰-۱۳۶۸/۱۹۸۹ را بیشتر کرد. گاز هر ساله درآمدی ۳۰۰ میلیون دلاری در مبادلات خارجی فراهم می‌کرد و در ۱۲۶۳/۱۹۸۴، سهم آن ۵۶٪ کل درآمد بود.

## تجارت خارجی

(به میلیون دلار)

۱۹۹۰-۱	۱۹۸۹-۹۰	۱۹۸۸-۹	۱۹۸۷-۸	۱۹۸۶-۷	۱۹۸۵-۶	
۱۳۶۹	۱۳۶۸	۱۳۶۷	۱۳۶۶	۱۳۶۵	۱۳۶۴	
۲۳۵/۱	۲۳۵/۹	۳۹۴/۷	۵۱۱/۹	۵۵۱/۹	۵۶۶/۸	صادرات (فوب) <sup>۱</sup>
-۹۳۶/۴	-۸۲۱/۷	-۹۰۰/۳	-۹۹۵/۹	-۱۴۰۳/۵	-۱۱۹۴/۲	واردات (سیف) <sup>۲</sup>
-۷۰۱/۳	-۵۸۵/۸	-۵۰۵/۶	-۲۸۴/۰	-۸۵۱/۶	-۴۲۷/۴	موازنه

Source (منبع): IMF, International Financial Statistics.

۱. فوب (FOB) (free on board). در این معامله کالا در بندر خرید تحویل می‌شود و هزینه حمل و نقل و بیمه به عهده خریدار است.
۲. سیف (CIF) در مقابل فوب هزینه‌های حمل و نقل و بیمه به عهده فروشنده است.





اقلام عمده صادراتی افغانستان: میوه، آجیل و سبزیجات که عمدتاً به پاکستان و هند می‌رفت، گاز طبیعی به اتحاد جماهیر شوروی سابق، قره‌گل به بازارهای دور اروپا و فرش و پنبه بوده است.

### کالاهای عمده تجاری

۱۹۹۰-۹۱	۱۹۸۹-۹۰	۱۹۸۸-۸۹	۱۹۸۰-۸۱	(به میلیون دلار)
۱۳۶۹	۱۳۶۸	۱۳۶۷	۱۳۵۹	
				صادرات
$\frac{n}{a}$	$\frac{n}{a}$	۹۳/۲	۲۳۳/۱	گاز طبیعی
۴۴/۴	۳۸/۰	۳۹/۱۰	۱۰۳/۶	فرش
			۳۹/۷	میوه تازه
۹۳/۳	۱۱۰/۲	۱۰۳/۴		میوه خشک
			۱۶۹/۴	پوست قره‌قل
۳/۰	۳/۶	۶/۱	۳۳/۳	پنبه
۲/۵	۵/۳	۸/۰	۳۹/۶	پشم
۹/۶	۵/۵	۳۰/۹	۱۲/۳	جمع کل به انضمام دیگر موارد
۲۳۵/۱	۲۳۵/۹	۳۹۴/۷	۷۰۵/۲	

۱. قابل ذکر است که سال مالی مورد نظر در کلیه جداول همان سال شمسی است که از ۲۱ مارچ تا ۲۰ مارچ سال میلادی بعدی را شامل می‌شود. (م)

۱۹۸۰-۸۱	۱۹۷۵-۷۶	واردات
۱۲۵۹	۱۲۵۴	
۱۲۴/۰	۲۷/۰	محصولات نفتی
۸۹/۵	۱۶/۹	وسایط نقلیه
۶۰/۱	۲۰/۶	منسوجات
۴۰/۸	۳۹/۵	بوره (شکر)
۲۸/۳	۲۰/۵	چای
۱۶/۷	۲۱/۶	تایر (لاستیک)
۵۵۱/۷	۳۴۹/۶	جمع کل به علاوه دیگر موارد

Source (منبع): Ministry of Commerce, External Trade Statistics.

تجارت، (وزارت احصاییه های تجارت خارجی)

### شرکای عمده تجاری (درصد از کل بازرگانی)

۱۹۹۲	۱۹۹۱	۱۹۹۰	صادرات به:
۱۳۷۱	۱۳۷۰	۱۳۶۹	
۷۱/۷	۷۰/۱	۷۴/۶	ا.ج. شوروی سابق
۱۰/۷	۹/۱	۱	تایوان
۱/۴	۲/۵	۳/۸	آلمان
۱/۱	۱/۱	۱/۶	هند
۱/۰	۲/۰	۲/۳	بلژیک - لوکزامبورگ
۰/۷	۰/۹	۱/۹	بریتانیا
۰/۶	۰/۵	۰/۷	پاکستان
۱۳۷۱	۱۳۷۰	۱۳۶۹	واردات از:
۶۲/۷	۵۹/۴	۵۶/۶	ا.ج. شوروی سابق
۵/۷	۷/۹	۸/۶	ژاپن
۴/۰	۳/۸	۵/۲	سنگاپور
۲/۰	۳/۲	۲/۶	کره جنوبی
۱/۶	۱/۶	۱/۱	فرانسه
۱/۵	۱/۷	۱/۷	چین
۱/۵	۱/۲	۱/۲	هنگ کنگ
۱/۳	۱/۲	۴/۲	هند
۱/۰	۰/۵	۰/۱	پاکستان

Source (منبع): Ministry of Commerce, External Trade Statistics

IMF, Direction of Trade Statistics. (وزارت تجارت، احصاییه های تجارت خارجی)

پس از مداخله شوروی در پایان ۱۹۷۹/جدی ۱۳۵۸ همگرایی اقتصاد افغانستان با شوروی سرعتی روزافزون پیدا کرد. طی دوره ۹۱-۱۹۸۹/۷۰-۱۳۶۸ سهم اتحاد شوروی در بازرگانی افغانستان به حداکثر خود، ۷۲٪ صادرات و ۵۷٪ واردات (اگر چه این سهم در صورتی که معاملات بازرگانی کاملاً مثبت می‌شد، ممکن بود پایین‌تر باشد) رسید.

### قروض و پرداختهای خارجی

حکومت کمونیستی در سالهای آخرش، اطلاعات موازنه پرداختها بر مبنای استانداردهای صندوق بین‌المللی پول (IMF) را ارائه داد. این اطلاعات حاکی از این بود که اثر کسریهای تجاری گذشته بر موازنه حسابهای جاری اغلب به وسیله واگذاریهای مهم دولتی، عمدتاً توسط کمکهای بلاعوض شوروی تعدیل می‌شده است. در سال ۱۳۶۷/۱۹۸۸ همراه با خدمات و مبادلات کوچکتر، کسر درآمدها چون کل تجارت افت پیدا کرده، حسابهای جاری برای اولین بار از «مازاد» برخوردار شد. در سالهای قبلی تثبیت ذخایر بر جریان ورودی انبوه سرمایه بلندمدت دولتی باز هم عمدتاً از جانب ا.ج. شوروی متکی بود. کاهش جدی صادرات در ۱۳۶۸/۱۹۸۹، عمدتاً به خاطر پایان صادرات گاز به شوروی، حسابهای جاری را مجدداً با کسر درآمد (در این سال) مواجه ساخت. عدم موازنه طبیعی بود که در سالهای بعد ادامه پیدا کند.

### نقدینگی بین‌المللی

(به میلیون دلار، مگر اینکه شاخص دیگری ارائه شده باشد)

۱۹۹۱	۱۹۹۰	۱۹۸۹	۱۹۸۸	۱۹۸۷	۱۹۸۶
۱۳۷۰	۱۳۶۹	۱۳۶۸	۱۳۶۷	۱۳۶۶	۱۳۶۵
۲۲۱/۲۲	۲۵۰/۴۱	۲۲۶/۶۵	۲۴۱/۸۰	۲۷۵/۹۰	۲۳۸/۶۱
۶/۶۷	۹/۰۲	۱۰/۶۳	۱۲/۸۰	۱۴/۹۱	۱۳/۹۹
۷/۰۱	۶/۹۷	۶/۴۱	۶/۵۳	۶/۸۷	۵/۹۲
۲۳۴/۸۹	۲۶۶/۴۰	۲۴۳/۶۹	۲۶۱/۱۲	۲۷۹/۶۸	۲۵۸/۵۲
۲۶۰/۵۲	۲۷۴/۸۹	۲۸۲/۰۵	۳۰۰/۷۶	۳۴۲/۳۸	۲۹۲/۴۰
۴۹۵/۴۳	۵۴۱/۲۹	۵۲۵/۷۴	۵۶۱/۸۸	۶۲۲/۰۶	۵۵۰/۹۲

Source (منبع): IMF, International Financial Statistics.

۱. حق اعتباری که صندوق بین‌المللی پول (IMF) در اختیار کشورهای عضو می‌گذارد.
۲. صندوق بین‌المللی پول (International Money Funds).
۳. براساس ۷۵٪ قیمت متوسط لندن.

## موازنه پرداختها

(به میلیون دلار)

۱۹۸۹	۱۹۸۸	۱۹۸۷	۱۹۸۶	۱۹۸۵	۱۹۸۴	
۱۳۶۸	۱۳۶۷	۱۳۶۶	۱۳۶۵	۱۳۶۴	۱۳۶۳	
۲۵۲/۳	۴۵۲/۸	۵۳۸/۷	۴۹۷/۰	۶۲۸/۲	۷۸۷/۷	صادرات کالا (فوب)
-۶۳۳/۵	-۷۳۱/۸	-۹۰۴/۵	-۱۱۳۸/۸	-۹۲۱/۶	-۱۲۰۳/۷	واردات کالا (فوب)
-۳۷۱/۲	-۲۷۸/۰	-۳۶۵/۸	-۶۴۱/۸	-۲۹۳/۳	-۴۱۷/۰	موازنه تجاری
۸/۲	۶۹/۶	۲۵/۶	۲۹/۳	۴۰/۰	۳۳/۴	صادرات خدمات
-۱۰۳/۴	-۱۲۰/۰	-۱۵۶/۳	-۱۸۱/۳	-۱۵۴/۱	-۱۹۶/۲	واردات خدمات
۲۰/۱	۲۳/۳	۱۹/۲	۲۳/۸	۲۹/۲	۲۰/۴	جریان ورودی بهره‌عایدی و سود سهام
-۷/۹	-۱۱/۵	-۱۱/۳	-۳۸/۶	-۸/۶	-۱۸/۵	جریان خروجی بهره‌عایدی و سود سهام
-۱/۲	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	انتقالهای خالص خصوصی
۳۱۲/۱	۳۴۲/۸	۳۱۱/۷	۲۶۷/۴	۱۴۳/۷	۱۲۷/۳	انتقالهای خالص دولتی
-۱۳۳/۳	۲۶/۲	-۱۶۶/۹	-۵۳۷/۲	-۲۴۳/۲	-۴۵۰/۶	موازنه حساب جاری
۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	سرمایه‌گذاری مستقیم
۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	سرمایه‌گذاری غیر مستقیم
-۵۹/۶	-۴/۱	-۳۲/۹	۳۰۲/۱	۱۰۰/۸	۳۱۳/۲	سرمایه‌های متفرقه
-۵۹/۶	-۴/۱	-۳۲/۹	۳۰۲/۱	۱۰۰/۸	۳۱۳/۲	موازنه حساب سرمایه
۱۸۲/۷	-۴۷/۹	۲۱۱/۶	۲۱۶/۴	۱۶۸/۴	۲۰۲/۶	اشتباهان و از قلم افتاده‌ها
-۲۰/۲	-۲۵/۸	۱۰/۸	-۱۸/۷	۲۶/۰	-۶۵/۲	موازنه کل
						تأمین مالی (نشانگر جریان ورودی)
۲۰/۲	۲۵/۸	-۱۰/۲	۱۸/۷	-۲۶/۰	-۶۵/۲	گردش ذخیره‌ها
۱۷/۴	۱۸/۶	-۲۱/۲	۳۶/۷	-۶۶/۵	-۵۴/۰	کل میابله در ذخایر
-۲/۸	-۷/۲	-۱۰/۲	۱۸/۰	-۴۰/۵	۱۱/۲	ترقی ارزش (پول)

Source (منبع): IMF, International Financial Statistics.

قروض خارجی دولتی (به میلیون دلار)

۱۹۹۰	۱۹۸۹	۱۹۸۸	۱۹۸۷	۱۹۸۶	۱۹۸۵	
۱۳۶۹	۱۳۶۸	۱۳۶۷	۱۳۶۶	۱۳۶۵	۱۳۶۴	
۵۰.۷۴	۵۰.۱۸	۵۱.۱۳۴	۴۰.۲۶	۲.۷۳۵	۲.۲۷۰	قروض بلند مدت
۱۵۶	۱۲۶	۱۳۴	۱۴۶	۱۴۳	۱۴۶	کشورهای OECD <sup>۱</sup> و بازارهای سرمایه
۳۳	.	۲	.	۱	۵	بانکها
۱۳۱	۱۳۳	۱۳۷	۱۳۹	۱۲۹	۱۱۹	چند جانبه
۴.۷۸۸	۴.۷۵۹	۴.۸۶۲	۳.۷۴۱	۲.۴۶۳	۲.۰۰۴	کشورهای غیر OECD
۴.۶۹۵	۴.۶۶۵	۴.۷۶۷	۳.۶۴۴	۲.۳۶۴	۱.۹۰۲	کشورهای اروپایی شرقی و مرکزی
۹۴	۹۴	۹۶	۹۶	۹۹	۱۰۲	کشورهای عرب
۱۲	۲۷	۲۱	۱۵	۱۸	۵	قروض کوتاه مدت
۱۲	۲۷	۲۰	۱۵	۱۱۸	۵	بانکها
.	.	۱	.	.	.	اعتبارات صادراتی
۵۰.۸۷	۵۰.۵۵	۵۱.۵۲	۴۰.۴۱	۲۷۵۳	۲۲۷۵	کل قروض شناخته شده
۵۰.۴۱	۵۰.۱۸	۵۱.۳۲	۴۰.۲۶	۲۷۳۴	۲۲۶۵	از این میان: اعطایی
۱۱۷	۲۳	۴۰	۵۰	۴۶	۳۷	محل تأدیه قروض
۱۲	۱۱	۱۰	۹	۱۲	۲۶	اصلی
۱۰.۵	۲۳	۲۹	۴۱	۳۴	۲۱	سود
۲	۳	۱	۱	۱	.	کوتاه مدت

Source (منبع): OECD, Financing and External Debt of Developing Countries.

قروض خارجی دولتی افغانستان در ۱۳۶۹/۱۹۹۰، ۵ میلیارد دلار برآورد شده که عمده آن به شوروی تعلق داشته و همه به جز اندکی، اعطایی بوده است. پس از مداخلات روسها تنها سرمایه‌های محدودی از منابع غیراروپای شرقی و مرکزی وصول شد. در سال ۱۳۶۹/۱۹۹۰، ۹۲٪ قروض شناخته شده توسط «سازمان همکاریهای اقتصادی و توسعه» به کشورهای بلوک شرق سابق تعلق داشت، اما از زمان تغییر رژیم، حکومت کابل امیدوار بوده است که صندوق بین‌المللی پول، بانک جهانی توسعه آسیایی اقدامات [کمکی] خود را از سر گیرند. با توجه به اعطایی بودن بیشتر قروض، تعادل به بازپرداخت پایین بوده، به طوری که در سال ۱۳۶۷/۱۹۸۸ تنها ۷/۱۶٪ درآمد ناشی از صادرات کالاها و خدمات را شامل می‌شده است. افزایش شدیدی در این نسبت در ۱۳۶۸/۱۹۸۹ که درآمد صادرات به نهایت رسید و در ۱۳۶۹/۱۹۹۰ که جریان خروجی بهره بالا رفت، پیدا شد. از زمان پیروزی مجاهدین هیچ وام خارجی دریافت یا پرداخت نشده است.

پایان ترجمه ۱۳۷۵/۸/۲۵

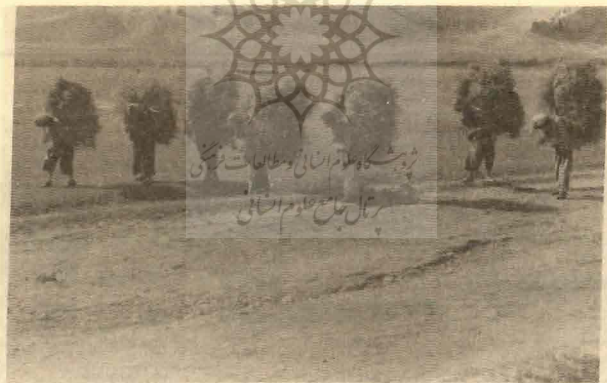




# زخمی



شہید کاؤٹوم انسانی توسط العالیات و سنجی  
پر تال جلیع کاؤٹوم انسانی





پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

مرکز مطالعات و تحقیقات فرهنگی

